

The study of cultural and social outputs in identifying the family of martyrs with an emphasis on national identity and the spirit of resistance (looking at the general policies of the 7th Development Plan)

Azam Ahangar Solehboni

Assistant Professor of Sociology Department, Faculty of Social Sciences, Tehran University, Tehran, Iran.

aahangar@ut.ac.ir

 0009-0003-5944-129X

Abstract

The emphasis on enhancing national self-esteem, national identity, and the spirit of resistance is among the key cultural and social concepts of the general policies outlined in the Seventh Development Plan. In this regard, fostering talents, improving the cultural level of veterans and their children, and "promoting and strengthening the culture of sacrifice and jihad while organizing veterans' affairs" are categorized as primary objectives of the general policies of the system. This article aims to define the socially constructed identity of the children of martyrs, identify the foundations of their identity formation, and align their identity-related outcomes with the strategic objectives of the system's general policies.

This research was conducted using a qualitative approach. Data collection was carried out through semi-structured interviews, in which 25 children of martyrs participated—15 women and 10 men. Participants were selected purposefully using the snowball sampling method.

The findings indicate that the official definition of the children of martyrs is shaped by social construction, yet its components contain contradictions that influence cultural identity formation outcomes. There exists a form of resistance against the official narrative concerning the children of martyrs and the objective reality of their lives

Keywords: Children of martyrs, Family, Identity Formation, Cultural policy-making, National identity.



Extended abstract

Introduction

This article examines the complex and multifaceted identity of martyrs' children in a specific socio-political context. This study investigates how society constructs and imposes a specific identity on these people, and examines the components of this identity, the processes of identity formation, and the alignment or mismatch between this constructed identity and broader social and government policies.

This research was conducted using a qualitative method and semi-structured interviews were conducted with 25 children of the martyrs (15 girls and 10 boys). Then three-step coding was done and concepts were extracted.

Constructed social identity

The society often assigns special characteristics to the children of martyrs, among which one can mention moral authenticity, religiosity, leadership and social responsibility. However, this constructed identity also includes the stigma of receiving privileges that lead to societal scrutiny and often disrespect. These social expectations are internalized by individuals and become part of their accepted identity. This aligns with theories of labeling and the social construction of identity.

Identity components

The components of identity constructed for the children of martyrs are formed by both formal and informal institutions. Formal institutions, such as schools and the Shahid Foundation, provide structured programs and environments designed to foster specific values and behaviors. Informal institutions such as families, peers, and communities also play an important role in shaping identity through everyday interactions and socialization processes.

Identity formation processes

Identity formation occurs through a complex interaction of individual experiences and social influences. Martyrs' children acquire their identity through various mechanisms, which include:

Direct transmission of values: Parents, peers and community members directly transmit the expectations and values related to being a martyr's child.

Institutional Socialization: Schools and organizations such as the Shahid Foundation offer structured programs and curricula designed to foster specific values and behaviors.

Social Interactions: Interactions with peers and the wider community shape understanding of self and identity.

Alignment with social policies

The identity created by the children of the martyrs is in line with the government's policies in order to preserve the culture of martyrdom and honor the martyrs' sacrifice. These policies often emphasize values such as sacrifice, service, and community. But the implementation of these policies has had positive and negative consequences for the people involved.

Contradictions and challenges

While the desired goal is to honor and support the children of martyrs, the constructed identity can lead to various challenges:

Stigma: Accompanying privileges and special treatment can lead to social isolation and stigmatization.

Internal conflict: Expectations associated with the constructed identity may conflict with personal aspirations and values.

Difficulty in expressing identity: People may struggle to express their true identity in a society that has pre-defined expectations.

The evolution of identity

This study highlights the dynamic nature of identity, which is influenced by both individual factors and societal changes. As societies evolve, the meanings and concepts associated with different identities also change. In the case of the martyrs' children, the changing social and cultural landscape has led to a re-evaluation of the constructed identity.

Conclusion

This study concludes that the identity of children of martyrs is a complex interplay of social expectations, individual experiences, and institutional influences. While the intended goal is to honor and support these people, the constructed identity can also lead to challenges and contradictions. Understanding these dynamics is essential for developing more nuanced and supportive policies and interventions.

Keywords: Social construction of identity, Identity formation processes, The impact of social policies, Contradictions and challenges, The evolution of identity, National self-esteem, national identity, spirit of resistance.

مطالعه برون دادهای فرهنگی اجتماعی در هویت یابی خانواده ایثارگران با تأکید بر هویت ملی و روحیه مقاومت

(ناظر بر سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه)

اعظم آهنگر سله بنی

عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
aahangar@ut.ac.ir ID 0009-0003-5944-129X

چکیده

اهتمام به ارتقاء عزت نفس ملی، هویت ملی و روحیه مقاومت از مفاهیم مهم فرهنگی و اجتماعی سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه است. در این راستا پرورش استعدادها و ارتقاء سطح فرهنگی ایثارگران و فرزندان آنها و «ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد و سامان‌دهی امور ایثارگران» از مهم‌ترین اهداف سیاست‌های کلی نظام دسته‌بندی می‌شود. این مقاله با هدف دستیابی به تعریف هویت برساخته اجتماعی فرزندان شهدا، مبادی هویت‌یابی و انطباق برون‌دادهای هویتی فرزندان شهدا با راهبردهای سیاست‌های کلی نظام به نگارش درآمد. پژوهش حاضر با روش کیفی انجام شده است. جهت جمع‌آوری داده از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته استفاده شد و ۲۵ نفر از فرزندان شهدا در مصاحبه‌ها مشارکت داشتند. ۱۵ نفر از مصاحبه‌شوندگان زن و ۱۰ نفر مرد بودند. نمونه‌ها به صورت هدفمند و به روش گلوله برفی انتخاب شدند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد تعریف رسمی از فرزندان شهدا ناشی از برساخته اجتماعی است که اجزای آن دچار تناقض است و این تناقض در برون‌دادهای هویت‌یابی فرهنگی نیز تأثیرگذار بوده است. نوعی مقاومت در برابر روایت رسمی در خصوص فرزندان شهدا و واقعیت عینی زندگی فرزندان شهدا وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: فرزندان شهدا، خانواده، هویت‌یابی، سیاست‌گذاری فرهنگی، هویت ملی.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



10.22034/scs.2025.477976.1606



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

خانواده‌های ایثارگران، به‌ویژه خانواده‌های شهدا، در ساختار اجتماعی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران جایگاهی ممتاز و نمادین دارند. آن‌ها به‌عنوان حاملان میراث ایثار، مقاومت و فداکاری برای حفظ تمامیت ارضی کشور شناخته می‌شوند. مفاهیم ارزشی همچون «شهادت»، «خون پاک»، «دفاع مقدس» و «فرزند شهید» نه تنها بار معنایی و احساسی پررنگی دارند بلکه بخشی از گفتمان رسمی جمهوری اسلامی ایران را نیز شکل داده‌اند. در این میان، هویت اجتماعی، فرهنگی و ملی فرزندان شهدا همواره در مرکز توجه نهادهای سیاسی، فرهنگی و رسانه‌ای کشور قرار داشته و این مسئله آنان را به یکی از مهم‌ترین گروه‌های مورد انتظار در بازتولید ارزش‌های انقلاب اسلامی بدل کرده است.

با پایان جنگ تحمیلی و ورود نسل‌های جدید از فرزندان شهدا به عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور، اهمیت هویت‌یابی این گروه اجتماعی دوچندان شده است. آنان در موقعیتی قرار دارند که از یک‌سو با مفاهیم و انتظارات نمادین نظام روبه‌رو هستند، و از سوی دیگر در بستر یک جامعه متحول، تجربه‌گر فرایندهای پیچیده اجتماعی، فرهنگی و نهادی‌اند. جایگاه آنان در فضای نمادین نظام سیاسی، بافت‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه، نهادهای حمایتی و انتظارات عمومی، مجموعه‌ای از متغیرهای پیچیده را در فرایند شکل‌گیری هویت ایشان وارد کرده است.

نهادهای رسمی کشور، ازجمله بنیاد شهید و امور ایثارگران، به‌عنوان بازوی اجرایی نظام در حوزه سامان‌دهی امور ایثارگران، مسئولیت سیاست‌گذاری و هدایت فرهنگی این خانواده‌ها را بر عهده داشته‌اند. این نهاد که بر اساس فرمان امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در ۲۵ اسفند سال ۱۳۵۸ تأسیس شد، از ابتدا در دستورکار خود ارتقای جایگاه اجتماعی و فرهنگی خانواده‌های شهدا را با رعایت کرامت و شأن آنان مورد توجه قرار داده است (خمینی، ۱۳۵۸). تأکید بر مأموریت‌های فرهنگی، هم در متن اولیه این فرمان و هم در سیاست‌های کلی نظام تداوم داشته است.

در سیاست‌های کلی نظام برای ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد و سامان‌دهی امور ایثارگران، به‌طور خاص بر تقویت هویت ملی، ارتقای عزت‌نفس و حفظ روحیه مقاومت در این قشر تأکید شده است (ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه هفتم با اولویت پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت، ۱۴۰۱). همچنین در بند ۱۳

سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه آمده است: «اعتلای فرهنگ عمومی در جهت تحکیم سبک زندگی اسلامی - ایرانی، تقویت همبستگی و اعتماد به نفس ملی، ارتقای هویت ملی و روحیه مقاومت» (ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه هفتم با اولویت پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت، ۱۴۰۱). این تأکیدات نشان‌دهنده آن است که مسئله هویت خانواده‌های شهدا، از جمله فرزندان آنان، صرفاً یک دغدغه فرهنگی نیست، بلکه یکی از مؤلفه‌های کلیدی در استمرار و استحکام ساختار اجتماعی و گفتمان ارزشی نظام محسوب می‌شود.

در این میان، بررسی چگونگی شکل‌گیری و جهت‌گیری این هویت، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد؛ زیرا در کنار سیاست‌های رسمی، جامعه ایران نیز در دهه‌های اخیر دستخوش تحولات اجتماعی، فرهنگی و نسلی گسترده‌ای بوده است. دگرگونی در نظام ارزشی، تغییر سبک‌های زندگی، فاصله گرفتن نسل جدید از برخی آرمان‌ها و بازتعریف مفهوم منزلت اجتماعی، همگی متغیرهایی هستند که می‌توانند بر الگوی هویتی فرزندان شهدا تأثیرگذار باشند. در این بستر، ضرورت دارد به این پرسش پرداخته شود که این گروه اجتماعی چگونه در متن جامعه امروز ایران معنا می‌یابند، با چه شرایط و فشارهایی در فرایند هویت‌یابی مواجه‌اند و جایگاه آن‌ها در چشم‌انداز فرهنگی و اجتماعی کشور چگونه در حال بازتعریف است.

مطابق آمارها، کشور ما در جریان دفاع مقدس و رویدادهای امنیتی پس از آن، ۲۲۵۵۷۰ شهید تقدیم کرده است که از این میان، ۱۷۶۴۷۰ فرزند شهید به‌جا مانده‌اند (بیرانوند، ۱۳۹۶). این آمار، تنها یک عدد نیست بلکه بیانگر حضور پررنگ گروهی در جامعه است که از نظر نظام سیاسی، سرمایه‌ای فرهنگی، نمادین و اجتماعی تلقی می‌شوند. با وجود این، شناسایی دقیق سازوکارهای مؤثر بر شکل‌گیری هویت این گروه و تبیین علمی موقعیت اجتماعی آنان، نیازمند پژوهشی با رویکرد جامعه‌شناختی است.

برهمن اساس، پژوهش حاضر بر آن است تا با تمرکز بر خانواده‌های ایثارگران، به‌ویژه فرزندان شهدا، فرایندهای فرهنگی و اجتماعی اثرگذار بر هویت‌یابی آنان را تحلیل کند. این پژوهش با در نظر گرفتن الزامات و اهداف تصریح‌شده در اسناد کلان از جمله سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه و سیاست‌های فرهنگی بنیاد شهید، به دنبال آن است که نشان دهد کدام عوامل، نهادها، فضاها، اجتماعی و سازوکارها در شکل‌گیری هویت فرزندان شهدا نقش دارند. همچنین تلاش می‌شود تا روشن گردد که این فرایند هویت‌یابی، در تعامل با زمینه‌های فرهنگی جامعه ایران

معاصر، چه جهتی یافته است و چه چالش‌هایی پیش‌روی انتقال ارزش‌های بنیادین نظام به نسل‌های پس از جنگ وجود دارد.

۱. هدف پژوهش

هدف از پژوهش آن است که به فرایند هویت‌یابی فرزندان شهدا در جمهوری اسلامی ایران عوامل فرهنگی، اجتماعی و نهادی که در این روند مؤثر هستند دست یابیم. همچنین بررسی می‌شود که آیا این هویت با اهداف سیاست‌های کلان نظام در حوزه ارتقای هویت ملی، عزت‌نفس و روحیه مقاومت هم‌راستا است بوده و برون‌دادهای مورد نظر را داشته است یا خیر.

۲. سؤال‌های پژوهش

- ۱- فرزندان شهدا چه تعریفی از هویت خود به‌عنوان یک فرزند شهید در ذهن دارند و در واقع هویت برساخته اجتماعی^۱ ایشان چیست؟
- ۲- راهبردها و مبادی هویت‌یابی فرزندان شهدا چه چیزهایی بوده است؟
- ۳- برون‌داد هویتی فرزندان شهدا چگونه است؟
- ۴- آیا برون‌دادهای هویتی فرزندان شهدا منطبق بر اهداف سیاست‌های کلی نظام در خصوص ارتقای عزت‌نفس ملی، هویت ملی و روحیه مقاومت است؟

۳. پیشینه پژوهش

اگرچه در مورد مفهوم هویت فرزند شهید و مبادی هویت‌یابی ایشان پژوهش‌های کمی وجود دارد و پژوهشگران اندکی به این موضوع پرداخته‌اند ولی در پژوهش‌های مربوط به مبحث هویت می‌توان یافته‌های مفیدی برای استفاده در ادبیات پژوهش وجود دارد. برای نمونه مجدی و همکاران طی مقاله با عنوان «بررسی رابطه حمایت اجتماعی با هویت‌یابی (مورد مطالعه: فرزندان شاهد شهر نیشابور)» به بررسی رابطه حمایت اجتماعی ادراک شده و حمایت اجتماعی دریافت شده با سبک‌های هویتی (برگرفته از نظریه برونسکی) پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که جنسیت در میزان دریافت حمایت اجتماعی فرزندان شهدا و جانبازان بالای ۵۰ درصد تأثیر دارد و در

۱. منظور از هویت برساخته اجتماعی تعریفی از هویت فرد است که جامعه به او القا می‌کند و از او انتظار کنشگری بر اساس آن تعریف را دارد. این مفهوم از رویکرد برساخت‌گرایی گرفته شده است که در آن پدیده‌های اجتماعی از طریق جریان‌ات اجتماعی پیرنگ شده و بازتعریف می‌شوند.

بین زنان بیشتر از مردان است. همچنین زنان از سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و تعهد هویت بیشتر استفاده می‌کنند. در عوض مردان بیشتر سبک هویت سردرگم را انتخاب می‌کنند. بالا رفتن سن و افزایش تحصیلات در این قشر بر سبک هویت اطلاعاتی و هویت هنجاری و تعهد هویت اثر مثبت می‌گذارد ولی بر هویت سردرگم تأثیرگذار نیست. از دیگر سو با افزایش حمایت‌های اجتماعی باعث افزایش سبک‌های هویت اطلاعاتی، هویت هنجاری و تعهد هویتی شده ولی با هویت سردرگم همبستگی معکوس و کاهنده دارد (مجدی، رضانی و عظیمی هاشمی، ۱۳۹۵).

غفاری‌نسب و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی تحت عنوان «بررسی جامعه شناختی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر هویت ملی (مطالعه موردی شهروندان ۱۵ سال به بالای شهر اقلید)» با حجم نمونه ۴۰۰ نفر به مطالعه عوامل متعدد اجتماعی تأثیرگذار بر هویت ملی پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد دینداری، سن، گستره شبکه ارتباطی و استفاده از رسانه بر هویت ملی بیشترین تأثیر را دارد (غفاری‌نسب؛ مساوات؛ قاسمی‌نژاد و علایی، ۱۳۹۵).

پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «تجربه زیسته فرزندان شهدا» فهمیه پرورش (۱۳۹۲)، طی یک مطالعه کیفی به مصاحبه با فرزندان شهدا پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که موقعیت دوگانه فرزندان شهدا مهم‌ترین تجربه زیسته این قشر از جامعه است (پرورش، ۱۳۹۲). این موضوع موقعیت دوگانه و مخفی کردن هویت فرزندان شهدا در کتاب زندگی ما در چهارده روایت بیان شده طی مصاحبه‌های عمیق از فرزندان شهدا نیز آمده است. این کتاب فقط به بازنمایی قصه زندگی فرزندان شهدای ساکن تهران پرداخته است و نتیجه خاصی نگرفته است (مقدم، ۱۳۹۶).

فریبا احمدی نیز طی مقاله‌ای به «آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت» پرداخته و به این نتیجه رسیده که بزرگ‌نمایی و مانور تبلیغاتی غیرواقعی درباره مزایا و تسهیلات ایثارگران را باعث ایجاد احساس گناه و حقارت در برخی از فرزندان شاهد و ایثارگر دانسته است (احمدی، ۱۳۸۶). این موضوع در مقاله محمد شارع‌پور نیز تکرار شده است (شارع‌پور، ۱۳۸۶).

بهرامی نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «معنای شهادت در میان خاطرات فرزندان شهدا (سن ۲۸ تا ۴۰ سال) اشاره‌ای به قضاوت‌های بی‌رحمانه جامعه در خصوص تسهیلات اعطایی به فرزندان شهدا کرده و این موضوع را یکی از عوامل آسیب‌زا برای این قشر قلمداد کرده است (بهرامی، ۱۳۹۵).

نقش تغییرات اجتماعی در تغییر مبانی فلسفی و روانی هویت اجتماعی و تداوم

آن از سوی هِس (۲۰۲۴) مورد مطالعه قرار گرفت. از نظر او جامعه در حال تغییر است و تغییرات اجتماعی منجر به تغییرات هویتی می‌شود. این موضوع از بعد فلسفی، روانی و اجتماعی در پژوهشی بررسی و تأکید شده است که بازنمایی مفاهیم زبانی و فلسفی ناشی از تغییرات اجتماعی منجر به تغییر تعاریف هویت اجتماعی می‌شود. به عبارتی او هویت را ناشی از مجموعه اجزای فردی نمی‌داند بلکه ناشی از بروز و ظهور عوامل اجتماعی قلمداد می‌کند (Hess, 2024).

همچنین آهنگر سله بنی (۱۳۹۹) طی پژوهشی به این نتیجه رسیده است که نوعی احساس حرمان از زندگی در خانواده‌های شاهد و ایثارگر شکل گرفته است که آن را ناشی از تغییرات انتظارات جامعه دانسته و هویت خود را به‌نوعی مخدوش شده می‌پندارند (آهنگر سله بنی، ۱۳۹۹).

مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که پژوهش‌های محدودی به‌صورت مستقیم به مسئله هویت‌یابی فرزندان شهدا به‌عنوان یک گروه اجتماعی خاص و برخوردار از جایگاه نمادین در گفتمان رسمی جمهوری اسلامی پرداخته‌اند. آنچه در اغلب مطالعات گذشته دیده می‌شود، تمرکز بر عوامل کلی تأثیرگذار بر هویت (مانند: دین‌داری، رسانه، یا حمایت اجتماعی) یا پرداختن به تجارب فردی و توصیفی از زندگی فرزندان شهدا در قالب خاطرات و روایت‌های کیفی است، بدون آنکه این داده‌ها در قالب یک تحلیل ساختاری-اجتماعی منسجم ارائه شده باشد. برخی پژوهش‌ها نیز به‌صورت موضوعی، آسیب‌های فرهنگی ناشی از نگاه تبلیغاتی به فرزندان شهدا یا مسئله قضاوت‌های عمومی درباره تسهیلات ایثارگران را مطرح کرده‌اند؛ اما به‌وضوح میان سیاست‌های کلان فرهنگی و نحوه بازتاب آن در تجربه زیسته و فرایند هویت‌یابی این گروه، پیوند تحلیلی برقرار نشده است.

از این‌رو، خلأ اصلی موجود در ادبیات پژوهش، فقدان مطالعه‌ای است که به‌طور خاص و عمیق به تحلیل جامعه‌شناختی فرایند هویت‌یابی فرزندان شهدا در نسبت با سیاست‌های فرهنگی نظام و تحولات اجتماعی ایران معاصر بپردازد. پژوهش حاضر با تمرکز بر همین گسست، تلاش می‌کند با رویکردی کیفی و بر پایه مصاحبه‌های عمیق، به بررسی عناصر اثرگذار بر هویت‌یابی این گروه پرداخته، نسبت تجربه زیسته آنان را با انتظارات نهادهای رسمی و گفتمان مسلط فرهنگی تحلیل کند. این پژوهش در پی آن است که نشان دهد چگونه شرایط اجتماعی، تاریخی و نهادی، فرایند شکل‌گیری و بروز هویت فرزندان شهدا را در جامعه امروز ایران شکل داده و در کدام نقطه‌ها با چشم‌انداز سیاست‌گذاران همسو یا دچار واگرایی شده است.

۴. ملاحظات نظری

۴-۱. مبانی نظری

جهت دستیابی به یک چهارچوب مفهومی در خصوص هویت‌یابی ابتدا نظریات این حوزه مورد مطالعه قرار گرفت. در این بخش به مرور... نظریه در خصوص هویت‌یابی از منظر اجتماعی پرداخته شده است این نظریات شامل: (۱) رویکرد روان‌شناختی، (۲) رویکرد محیط‌محور، (۳) رویکرد جامعه‌محور است که به‌عنوان چهارچوب مفهومی پژوهش در نظر گرفته شده است.

۴-۱-۱. رویکردهای نظری در خصوص هویت‌یابی

در مورد هویت و نحوه شکل‌گیری آن، رویکردهای مختلفی وجود دارد. اکثر صاحب‌نظران و اندیشمندان معتقدند تشکیل هویت، فرایندی است که از بدو تولد آغاز و در تمام طول عمر انسان ادامه می‌یابد. برخی آن را در روند اجتماعی‌شدن تفسیر کرده و هویت را یک برساخته ذهنی می‌دانند و برخی نیز هویت‌یابی را منبعث از محیط فیزیکی فرد تفسیر می‌کنند. نظریه‌پردازانی نظیر بورديو همه چیز را در تحصیل سرمایه‌های چهارگانه و رابطه دیالکتیک آن با میدان برای تعریف هویت اجتماعی طبقات اجتماعی خلاصه می‌کنند:

(۱) **رویکرد محیط‌محور:** رویکرد محیط‌محور به هویت‌یابی و هویت اجتماعی بر این مبنا استوار است که محیط فیزیکی نیز از عوامل شکل‌دهی هویت اجتماعی افراد است و این موضوع به طریق اولی باعث انسجام گروهی یک محله، سلامت روان ساکنان محله و ادراک از کیفیت محیط می‌شود. تمرکز اصلی هویت اجتماعی بر این است که توضیح دهد چگونه اعضای گروه‌های بزرگ مثل ملت‌ها و همچنین گروه‌های کوچک مثل خانواده‌ها به هم انسجام می‌دهند، به همدیگر اعتماد می‌کند و با نفع شخصی اعضا باعث ارتقاء همبستگی می‌شوند (Haslam et al., 2024).

(۲) **رویکرد روان‌شناختی:** هویت از دیدگاه روان‌شناختی به معنای درک فرد از خویشتن است، به‌گونه‌ای که فرد نسبت به خود و جایگاهش در جامعه شناخت پیدا می‌کند. این مفهوم نه‌تنها شامل ویژگی‌های فردی مانند: ارزش‌ها، باورها و علایق می‌شود بلکه شامل نحوه تعامل فرد با دیگران و محیط نیز هست (Erikson, 1968). هویت، به‌ویژه در دوران نوجوانی، نقش حیاتی در شکل‌گیری شخصیت ایفا می‌کند و پایه‌گذار ثبات و روان‌شناختی فرد در آینده است. یکی از نظریه‌پردازان

برجسته در این زمینه اریک اریکسون است. او معتقد است که هویت در طی مراحل روانی - اجتماعی هشت‌گانه زندگی شکل می‌گیرد. در نظریه او، مرحله پنجم که به «هویت در برابر سردرگمی نقش» معروف است، اهمیت ویژه‌ای دارد. این مرحله در دوران نوجوانی رخ می‌دهد و طی آن فرد سعی می‌کند بین انتظارات اجتماعی، تجربیات شخصی و آرمان‌های خود تعادل برقرار کند. موفقیت در این مرحله منجر به شکل‌گیری یک هویت قوی می‌شود، درحالی‌که شکست ممکن است به سردرگمی نقش و بی‌ثباتی روانی منجر شود (Erikson, 1968).

جیمز مارشیا با توسعه نظریه اریکسون، مفهوم جیمز مارشیا با توسعه نظریه اریکسون، مفهوم «وضعیت‌های هویت» را معرفی کرد. او چهار وضعیت اصلی برای هویت‌یابی مطرح می‌کند:

۱- دستیابی به هویت: فرد پس از بررسی گزینه‌های مختلف، به هویتی پایدار می‌رسد.

۲- تعلیق هویت: فرد هنوز در حال بررسی است و به تصمیم قطعی نرسیده است.

۳- تعلق هویت: فرد بدون بررسی کافی، هویتی را می‌پذیرد که دیگران (مثلاً خانواده) برای او تعیین کرده‌اند.

۴- سردرگمی هویت: فرد در یافتن هویت خود ناکام مانده و در حالت بی‌ثباتی قرار دارد (Marcia, 1966).

درواقع از دیدگاه روان‌شناختی هویت‌یابی فرایندی پویا و چندمرحله‌ای است که تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار می‌گیرد. در این مسیر، افراد از طریق بازاندیشی در تجارب گذشته و تعامل با محیط و دیگران، به شفافیت درباره خود می‌رسند. نقش والدین، گروه‌های همسالان و رسانه‌ها نیز در این میان بسیار پُررنگ است. افراد در این فرایند به بررسی ارزش‌ها، باورها و اهداف خود می‌پردازند و درنهایت هویتی منسجم و یکپارچه ایجاد می‌کنند. هویت، به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در روان‌شناسی، بیانگر تلاش فرد برای درک خویشتن و جایگاهش در جامعه است. نظریه‌های اریکسون و مارشیا نشان می‌دهند که هویت‌یابی یک فرایند پیچیده و وابسته به عوامل درونی و بیرونی است. این فرایند با آزمون و خطا همراه بوده و مستلزم حمایت اجتماعی و خودشناسی عمیق است.

۳) **رویکرد جامعه‌محور:** «اجتماعی شدن فرایندی است که به انسان، راه‌های زندگی کردن در جامعه را می‌آموزد، شخصیت می‌دهد و ظرفیت‌های او را در جهت انجام وظایف فردی و به‌عنوان عضو جامعه توسعه می‌بخشد. در آغاز زندگی، کودک

از دیگران فرامی‌گیرد که چه رفتارهایی از او انتظار می‌رود و او دارای چه نوع شخصیتی است» (کوئن، ۱۴۰۲). برخی هویت اجتماعی را یک برساخته ذهنی دانسته و آن را از نظر فلسفی منحصر به ذهن و تفسیرهای ذهنی می‌دانند. آنا دوریوک (۲۰۲۴) معتقد است علی‌رغم اینکه با رویکرد روان‌شناختی هویت اجتماعی شامل عاطفه و تجربه ذهنی یک گروه به‌عنوان یک سوژه متکثر می‌داند ولی اذعان دارد که از منظر اجتماعی این سوژه متکثر علاوه بر شناسایی اجتماعی، نیت جمعی و عاملیت نیز داشته و ابهامی بین جمع و فرد وجود دارد. درواقع این جنبه از مفهوم هویت اجتماعی در فرد را مکمل نظریه‌های روان‌شناختی هویت اجتماعی قلمداد کرده و معتقد است روان‌شناسی برای مفهوم‌سازی مؤثر این پدیده محدود به تجربه‌های ذهنی است درحالی‌که هویت اجتماعی و نحوه شکل‌گیری آن فراتر از شناخت‌گرایی و ساخت‌گرایی است (Dordevic, 2024).

بورديو هویت را بر اساس طبقه اجتماعی تفسیر می‌کند. افراد با تحصیل سرمایه‌های چهارگانه و مصرف محصولات فرهنگی سبک زندگی خاصی می‌سازند که موجب تمایز از سایر سبک‌های زندگی است و مربوط به یک طبقه اجتماعی است و از این راه هویت اجتماعی خود را تعیین می‌کنند. سرمایه‌های چهارگانه شامل سرمایه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین در میدان در گردش هستند. سرمایه اقتصادی یا ثروت شامل پول و کالاهایی می‌شود که با هدف بازتولید ثروت در مدار تولید به گردش در می‌آیند (بورديو، ۱۴۰۰). سرمایه فرهنگی نیز شامل صلاحیت‌ها و مهارت‌ها و دانش فردی می‌شود. سرمایه فرهنگی منبعث از طیفی از امور مادی و معنوی نظیر تحصیلات، مدارک دانشگاهی و سرمایه‌های رسمی، خلاقیت هنری و قدرت بیان و انتقال مطلب است که تمایز شخص را نسبت به دیگران رقم می‌زند (Throsby, 2020). سرمایه فرهنگی به ابقای تقسیم‌بندی‌های اجتماعی دامن می‌زند و منعکس‌کننده جایگاه اجتماعی صاحبش است (اسمیت و رایلی، ۱۳۹۴)؛ اما سرمایه دیگر سرمایه اجتماعی است که پیوندهای اجتماعی و اعتماد را دربرمی‌گیرد. به‌طور مثال روابط عمومی خوب و ارتباطات گسترده، روابط نهادینه شده، شناخت و آشنایی متقابل همگی به افراد حق اعتبار می‌بخشد. به‌نوعی می‌توان گفت ارتباطات قسمی از راهبردهای سرمایه‌گذاری است (Bourdieu, 1986). در آخر باید از سرمایه نمادین نام برد که شامل افتخارات و پرستیژ فرد می‌شود. این سرمایه شکلی رسمیت‌یافته از هر نوع سرمایه است که حاصل ذهنی‌شدن تضادها و تقسیم‌بندی‌هایی است که در ساختار توزیع آن سرمایه وارد شده است؛ به‌طورمثال

می‌تان از تقسیم‌بندی‌های دوگانه‌ای نظیر فرهیخته و بی‌فرهنگ، فقیر و غنی، قوی و ضعیف و غیره نام برد که خصلت‌های احترام برانگیز و یا ویژگی‌هایی که در جامعه برای آن احترام قائلند (بوردیو، ۱۳۸۰). تندیس‌ها، نشان‌ها، تقدیرنامه‌ها و مدال‌ها موجب تمایز و تقدیر شده؛ و نمایانگر سرمایه‌ای نمادین است (ایوبی، ۱۴۰۰). در واقع دارا بودن سطحی از سرمایه‌های چهارگانه از مقتضیات زیست در جهان نوین راه برون‌رفت از چالش‌ها و آسیب‌های آن است.

عادت‌واره یا هبیتوس^۱ جبر و ضرورتی درونی شده که به شکلی همه‌شمول درآمده؛ درآمده؛ تلقی‌ها و عملکردهای معنا بخشی را تولید می‌کند. به عقیده بوردیو طبقات اجتماعی، هبیتوس (منش) خاص طبقه خودشان را به‌وجود می‌آورند که سبک زندگی و ترجیحات زیباشناختی خاص آن طبقه را به همراه دارد (بوردیو، ۱۳۹۰). رابطه میان عادت‌واره و میدان رابطه دوسویه است هر یک به‌واسطه دیگری تقویت شده و همدیگر را بازتولید می‌کنند. گروه‌های اجتماعی روش‌های زندگی را بر اساس موقعیت طبقه‌شان برمی‌گزینند و همین سبک زندگی، موقعیت اجتماعی‌شان را مجدداً بازتولید می‌کند (سیدمن، ۱۴۰۲). منش از همین نابرابری‌ها برمی‌خیزد و کنشی را تولید می‌کند که عاملان از چرایی آن باخبر نیستند. مدرسه و خانواده نقشی حیاتی در تخصیص منش‌ها به انسان دارند (اسمیت و رایلی، ۱۳۹۴). هویت نمادین بر پایه انتظارات جمعی و باورهای درونی شده تحمیل می‌شود و بازتولید عادت‌واره است.

۴-۲. تعریف مفاهیم

در آیین‌نامه مصادیق عملی شهید و خانواده‌های شاهد، شهید را کسی تعریف کرده است که جان خود را در راه اهداف والای اسلام و انقلاب اسلامی و حفظ دستاوردهای آن و دفاع از کیان نظام جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدات و تجاوزات دشمن و عوامل ضدانقلاب و اشعار نثار می‌نماید (آیین‌نامه تعیین مصادیق عملی شهید و خانواده‌های شاهد، ۱۳۸۲). لذا فرزندان که از ایشان به‌جا می‌ماند به‌طریق اولی از نظر قانونی فرزند شهید نامیده می‌شوند. جامعه هدف مورد مطالعه این پژوهش فرزندان شهدای جنگ بین ایران و عراق بر اساس تعریف اخیر است. تعریف‌هایی که از فرزندان شهدا به‌صورت مکتوب در متن قوانین آمده یک تعریف رسمی است که یک جایگاه هویتی رسمی برای ایشان تعریف کرده است؛ اما هویت یک مفهوم اجتماعی است که به‌لحاظ نظری تعاریف متعددی دارد. در خصوص

1. Habitus

مفهوم هویت باید گفت که هر رشته‌ای از زاویه دید خاص خود تعریفی برای هویت ارائه کرده است. با این حال، در تمامی این تعاریف، بر برخی ویژگی‌های مشترک تأکید می‌شود. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به تصویر ذهنی فرد از خود، ارزش‌ها و باورهایی که فرد به آن‌ها پایبند است و نقش‌هایی که فرد در جامعه ایفا می‌کند اشاره کرد. به عبارت دیگر، هویت فرد، ترکیبی پیچیده از عوامل روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی است که بر رفتارها، نگرش‌ها و تصمیم‌گیری‌های او تأثیر می‌گذارد. هویت یکی از مفاهیم بنیادین در علوم انسانی است که از دیرباز مورد توجه نظریه‌پردازان و پژوهشگران قرار گرفته است. هریک از اندیشمندان، با توجه به رویکرد نظری خود، تعریفی خاص از هویت ارائه داده‌اند؛ به‌طور مثال در حالی که بورک هویت را به‌عنوان یک ساختار شناختی می‌بیند که فرد از طریق آن خود را در موقعیت‌های مختلف اجتماعی تعریف می‌کند، کاستلز هویت را فرایندی پویا می‌داند که در آن معنا بر اساس ویژگی‌های فرهنگی شکل می‌گیرد. این ویژگی‌ها می‌توانند شامل زبان، دین، ملیت و... باشند. گروه‌گر بر تعادل بین فرد و جامعه در شکل‌گیری هویت تأکید می‌کند. به نظر او، هویت در تعامل با دیگران و در طول زمان شکل می‌گیرد. برزونسکی و اریکسون نیز تعاریف دیگری از هویت ارائه می‌دهند. برزونسکی: هویت را یک نظریه درونی درباره خود می‌داند که افراد به‌طور فعال در ساخت آن مشارکت دارند و اریکسون: هویت را پدیده‌ای روان‌شناختی - اجتماعی می‌داند که در دوره نوجوانی شکل می‌گیرد و تحت تأثیر عوامل بیولوژیکی، روان‌شناختی و اجتماعی است (Bersonsky, 2003). الطایی هویت را مجموعه‌ای از ویژگی‌های انسانی، اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان می‌داند که یک گروه را از گروه‌های دیگر متمایز می‌کند (الطایی، ۱۳۸۲).

وجه مشترک تعاریف متعدد از هویت را می‌توان این‌گونه برشمرد که: (۱) چندبُعدی است و ترکیب پیچیده‌ای از عوامل روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی بر رفتار و نگرش و تصمیم‌گیری‌ها تأثیر می‌گذارد، (۲) فرایندی است و دارای پویایی است به‌طوری که در طول زمان و در تعامل با دیگران و به‌صورت فعال توسط فرد و جامعه ساخته می‌شود، (۳) ساختار شناختی و اجتماعی دارد به‌طوری که مجموعه از ارزش‌ها و باورها و نقش‌ها را دربرمی‌گیرد، فرد به آن‌ها پایبند است و از طریق تعامل با دیگران در جامعه تقویت می‌شود، (۴) و از همه مهم‌تر تعادل میان فرد و جامعه را تعیین می‌کند. تأکید ما در این مقاله از مفهوم هویت همان شناخت فرد از خود است که در ساختار اجتماعی شکل می‌گیرد و در تعادل میان فرد و جامعه بازتولید می‌شود.

۵. روش‌شناسی پژوهش

با توجه به ماهیت مسئله و اهداف پژوهش، این پژوهش با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی انجام شده است. پدیدارشناسی با تأکید بر تجربه زیسته، باور به تکثر واقعیت، ساخت اجتماعی معنا و تعلیق پیش‌فرض‌ها، مبنای نظری پژوهش بوده است (Denscombe, 2010). اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۵ فرزند شهید (۱۵ زن و ۱۰ مرد) گردآوری شد. انتخاب نمونه‌ها به صورت هدفمند و به روش گلوله‌برفی صورت گرفت، تا مشارکت‌کنندگان حائز بیشترین ارتباط مفهومی با موضوع باشند (فلیک، ۱۳۹۷؛ اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۵).

جامعه آماری شامل فرزندان شهدای جنگ تحمیلی بالای ۳۸ سال بود. برای پوشش بهتر تجربه‌ها، مصاحبه‌شوندگان از شهرهای تهران، مشهد، اصفهان، اهواز و ارومیه انتخاب شدند. فرایند مصاحبه تا رسیدن به حد اشباع نظری ادامه یافت و پس از ۲۱ مصاحبه مفاهیم تکراری ظاهر شد. در مرحله کدگذاری، مفاهیمی که در سه یا بیشتر از سه مصاحبه تکرار می‌شدند، به عنوان کد مفهومی اولیه ثبت شدند.

در انتخاب نمونه‌ها تنوع در طبقه اجتماعی، دیدگاه سیاسی و موقعیت شغلی لحاظ شد و مصاحبه‌ها از زن خانه‌دار تا هیئت علمی را دربرمی‌گرفت. هماهنگی مصاحبه‌ها از طریق مددکاری بنیاد شهید انجام شد.

جدول (۱): اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

ردیف	تحصیلات	شغل	وضعیت تأهل	سن	
				هنگام شهادت پدر	اکنون
۱	دکتری	پزشک	متأهل	۹	۴۷
۲	کارشناسی ارشد	کارمند	متأهل	۶	۴۴
۳	دیپلم	آرایشگر	مطلقه	۲	۳۹
۴	دکتری	هیئت علمی	متأهل	۱۱	۴۸
۵	کارشناسی	خانه‌دار	متأهل	به دنیا نیامده بود	۳۸
۶	کارشناسی	کارمند	مطلقه	۳	۴۳
۷	دکتری	کارمند	متأهل	۷	۴۱
۸	فوق دیپلم	خانه‌دار	متأهل	۱۲	۴۹
۹	کارشناسی ارشد	کارمند	متأهل	۸	۴۲

ردیف	تحصیلات	شغل	وضعیت تأهل	سن	
				هنگام شهادت پدر	اکنون
۱۰	کارشناسی	شاغل بخش خصوصی	مجرد	۴	۳۷
۱۱	دکتری	کارمند	متأهل	۳	۴۰
۱۲	کارشناسی ارشد	کارمند	متأهل	۲	۳۷
۱۳	پنجم ابتدایی	خانه‌دار	متأهل	۶	۴۲
۱۴	دکتری	هیئت علمی	مطلقه	۱	۳۹
۱۵	دکتری	کارمند	متأهل	۵	۴۸
۱۶	سوم راهنمایی	نگهبان	متأهل	۱۲	۵۰
۱۷	دکتری	مدیر کل سازمان دولتی	متأهل	۱۱	۴۷
۱۸	کارشناسی	کارمند	مطلق	۴	۳۸
۱۹	دیپلم	مغازه‌دار (کاسب)	متأهل	۸	۴۰
۲۰	کارشناسی ارشد	بیکار	متأهل	۱	۳۷
۲۱	پنجم ابتدایی	کشاورز و دامدار	متأهل	۱۴	۵۵
۲۲	دکتری	هیئت علمی	متأهل	۹	۴۱
۲۳	کارشناسی	سردفتردار دفترخانه اسناد رسمی	متأهل	۴	۴۸
۲۴	دکتری	دندانپزشک	متأهل	۱۰	۴۹
۲۵	کارشناس ارشد	مسئول پیشخوان دولت	متأهل	۷	۴۳

مصاحبه‌ها با کسب رضایت آگاهانه از مشارکت‌کنندگان و ارائه توضیحات لازم ضبط شدند. بلافاصله پس از هر جلسه، پیاده‌سازی و کدگذاری اولیه انجام شد. کدگذاری پژوهش طی سه مرحله انجام گرفت: استخراج مفاهیم اولیه، جمع‌آوری آن‌ها در قالب مقولات فرعی، و سپس شکل‌گیری مقولات اصلی. برای ارزیابی کیفیت داده‌ها و یافته‌ها، از چهار معیار لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) شامل اعتبار، انتقال‌پذیری، تأییدپذیری و قابلیت اعتماد استفاده شد (Lincoln & Guba, 1985).

۱- اعتبار بخشی از طریق طراحی دقیق نمونه‌گیری و پرسش‌های مصاحبه با تنوع منابع و دیدگاه‌ها انجام شد. همچنین، متن کامل مصاحبه‌ها و کدهای اولیه برای

مشارکت‌کنندگان ارسال شد تا بازخورد آنان در تحلیل لحاظ شود و یافته‌ها دقیق‌تر و مشارکتی‌تر گردند.

۲- **انتقال‌پذیری** از طریق مستندسازی جامع مراحل پژوهش (طراحی، جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل و تفسیر نتایج) و نیز گزارش شرایط زمینه‌ای (سن، جنسیت، تحصیلات، شغل و...) تأمین شد تا دیگر محققان بتوانند نتایج را در زمینه‌های مشابه ارزیابی و مقایسه کنند.

۳- **تأییدپذیری** با ارائه توصیف شفاف از روش‌ها، ابزارها و مراحل تحلیل تضمین شد. افزون‌براین، یافته‌ها در اختیار چند تن از مدیران با تجربه در بنیاد شهید قرار گرفت و نظرهای تخصصی آن‌ها برای افزایش دقت علمی و اصلاحات احتمالی در متن پژوهش اعمال شد.

۴- **قابلیت اعتماد:** جهت تأمین قابلیت اعتماد و اطمینان از پایایی یافته‌های پژوهش، از روش کدگذاری دوگانه استفاده شد. به این منظور، دو مصاحبه که از نظر محتوا غنی‌تر بودند انتخاب و به یک کدگذار مستقل (پژوهشگری در حوزه علوم اجتماعی) ارائه شدند. پس از انجام کدگذاری توسط هر دو کدگذار، کدهای مشترک (توافق) و کدهای متفاوت (عدم توافق) مشخص گردید. نتایج نشان داد که درصد توافق بین دو کدگذار ۸۹٫۹ درصد بوده است. این میزان توافق بالا، حاکی از پایایی بالای فرایند کدگذاری و قابلیت اعتماد داده‌های تحلیل شده است. جدول شماره ۳، جزئیات مربوط به محاسبه درصد توافق را نشان می‌دهد.

(100) تعداد توافقات

$$\text{درصد توافق} = \frac{\text{تعداد کل کدها}}{\text{تعداد توافقات}}$$

جدول (۲): نتایج بررسی پایایی بین دو کدگذار

شماره مصاحبه	کل کدها	توافقات	عدم توافقات	درصد توافق
۴	۲۹	۲۶	۳	۸۹٫۶۵
۷	۲۴	۱۹	۵	۷۹٫۱۶
کل	۵۳	۴۵	۸	۸۹٫۹

در این پژوهش، برای افزایش روایی و اعتبار، از رویکرد لینکلن و گوبا، تحلیل هم‌زمان داده و نظریه‌پردازی، و کدگذاری سه‌مرحله‌ای بهره گرفته شد. نمونه‌گیری هدفمند و انسجام‌روشی نیز رعایت شد. برای بازنمایی یافته‌ها، کدهای استخراج‌شده

در جداولی با ساختاری مشخص ارائه گردید؛ به این صورت که هر مصاحبه با کدی تحت عنوان Q (مانند: Q1، Q2 و...) مشخص شد. در ادامه، مفاهیم اولیه در ستون دوم، مقولات فرعی در ستون سوم، و مقولات اصلی در ستون چهارم گنجانده شد. همچنین برای درک بهتر مخاطب، از نقل‌قول‌های گویا و منتخب از مشارکت‌کنندگان، ذیل هر مقوله استفاده شد تا روایت فرزندان شهدا به‌طور مستقیم بازتاب یابد و روند تحلیل داده‌ها شفاف و قابل پیگیری باشد.

۶. یافته‌های پژوهش

اندیشمندان اجتماعی یکی از خصوصیات متمایزکننده انسان نسبت به سایر موجودات را خودآگاهی مطرح می‌کنند. این خودآگاهی درواقع باعث می‌شود انسان خود را در محیط به‌عنوان یک شیء (ابژه) ببیند. شناخت خود از طریق اجتماعی‌شدن شکل می‌گیرد و فرد هویت‌یابی می‌کند. گیدنز معتقد است خانواده، گروه همسالان و رسانه‌های جمعی عوامل اجتماعی‌شدن هستند (گیدنز و ساتن، ۱۳۹۹). با عنایت به تعریف هویت و فرایندی بودن هویت‌یابی یافته‌های تحقیق به دو دسته کلی تقسیم شد:

- ۱) هویت‌یابی که در آن به تعریف هویت و مبادی هویت‌یابی فرزندان شهدا پرداخته شد.
- ۲) برون‌دادهای هویت‌یابی فرزندان شهدا که به دو دسته احساسات متناقض و ابراز هویت در جامعه تقسیم شد.

۶-۱. هویت‌یابی

فرزندان شهدا در طی روند زندگی خود به مرور هویت فرزند شهید بودنشان شکل گرفته و تعریفی از آن برایشان تداعی شده است. در خصوص روند هویت‌یابی فرزندان شهدا دو مقوله اصلی قابل شناسایی است: عناصر تشکیل‌دهنده هویت فرزند شهید و مبادی هویت‌یابی ایشان. در این قسمت تلاش شده است تا به این دو سؤال پژوهش در خصوص تعریف فرزندان شهدا از هویت خودشان و مبادی هویت‌یابی ایشان، پاسخ داده شود.

الف) هویت فرزند شهید: به نظر می‌رسد جامعه و خانواده شاخصه‌های خاصی برای یک فرزند شهید در نظر داشته و با تأکید بر آن در گذر زمان و روند جامعه‌پذیری فرزندان شهدا باعث شده که آنها نیز آن را بپذیرند و آن شاخصه‌ها را جزئی از

هویت خود به عنوان فرزند شهید بدانند. برزونسکی نیز هویت را یک نظریه درونی درباره خود می‌داند که فرد به طور فعال در ساخت آن مشارکت دارد و اریکسون آن را پدیده روان‌شناختی - اجتماعی می‌داند که در دوران نوجوانی شکل می‌گیرد (Bersonsky, 2003). البته بسیاری نیز این نوع رفتارها و شاخصه‌های رفتاری مورد انتظار را در تضاد با خواسته‌های درونی خود دانسته و گاهی در مقام مقابله برآمده‌اند.

«تو شهرمون همه ما را می‌شناختند و هر جا می‌رفتیم باید مراقب رفتارمان می‌بودیم. مورد احترام مردم بودیم و همین باعث می‌شد که طوری که از ما انتظار میره رفتار کنیم..... چادری بودن، مهربان بودن، مادرم هر هفته ما را می‌برد نماز جمعه و خیلی هم تأکید داشت که سر وقت نماز بخونیم..... دبیرستان که بودم توی مدرسه یکی از همکلاسی‌ها پول قرض گرفته بود که یک هفته‌ای پس بده ولی سه ماه طول کشیده بود. نه اینکه نداشته باشه هر روز می‌دیدم که یک چیز جدید می‌خره و اصلاً به فکر پس دادن پولم نیست. بهش دو سه باری گفتم دیدم بیخیاله. آخرین بار بهش گفتم اگر تا شنبه پولمو نیاری موضوع را به مامانت اطلاع میدهم. اصلاً حرفش یادم نمیره که گفت تو دختر شهید ازت انتظار دارم مثل پدرت باشی و کمی صبوری کنی و آبرو داری کنی! از این جور حرف‌ها که هر رفتاری می‌کردیم ممکن بود تذکر بگیریم که تو دختر شهیدی و ازت انتظار میره چنین رفتاری کنی، الگوی دیگران باشی و... تو دانشگاه هم که خودتان می‌دانید اولین موضوع سهمیه بود. من تا آخرین سال نگذاشتم همکلاسی‌هام بفهمند که فرزند شهیدم ولی فکر می‌کنم بعضی‌ها متوجه شده بودند. بعد که آمدم تهران دانشگاه با چادر راحت نبودم به خاطر همین مانتویی شدم..... تو شهرستان خیلی مواقع پیش می‌آمد که برای تقدیر و تشویق مثلاً کسی از ما دعوت می‌شد که بالای سن برویم و جایزه بدهیم و یا به عنوان میهمان تو برنامه‌ها مختلف مثل شب شعر، استقبال از استاندار و غیره دعوت کنند که بیا مثلاً خوش آمد بگو و...» (مصاحبه‌شونده شماره ۱).

«من خودم را فرزند یک قهرمان جنگ می‌دانم که اگر توان لازم را داشته باشم می‌توانم این افتخار را حفظ کنم. از نظر من فرزند شهید یک انسان است نه یک سوپر هیرو. فرزند شهید حق زندگی دارد و برای زندگیش تلاش می‌کند. آنچه که مردم از ما توقع دارند و سعی می‌کنند به ما بفهماند و

برایمان قالب تعیین کنند بسیار سخت و اذیت‌کننده است. ما هم کار و زندگی داریم. ما هم خانواده داریم. ما هم دلمان می‌خواهد سفر برویم و دلمان می‌خواهد وسایل خوب داشته باشیم ماشین خوب سوار شویم. این چه انتظاری است که مردم از ما دارند. جامعه عوض شده زندگی مردم هم عوض شده ولی مردم از ما فرزندان شهدا انتظار دارند ساده زیست باشیم این ماشین را که خریده بودم (سوناتا) اولین روز همکارم به من گفت تو فرزند شهیدی چرا این را خریدی شاید کسی نداشته باشد. درحالی‌که در بین همکاران ما پنج‌شش نفر دیگر هم بودند که ماشین‌هایی در این لول داشتند. قطعاً کسی به آنها چنین تذکری نمی‌دهد» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۷).

جدول (۳): هویت فرزند شهید

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم	مصاحبه
هویت فرزند شهید از منظر جامعه	بچه مذهبی	انجام واجبات دینی در منظر دیگران	Q1 Q4 Q5 Q12 Q14
		داشتن تقیدات مذهبی قوی	Q1 Q6 Q7 Q10
		پوشش چادر یا در نهایت مانتوی خیلی بلند و تیره و...	Q1 Q2 Q3 Q7 Q15
		نپوشیدن لباس‌های مد روز و استفاده از لباس‌های سنگین	
	الگوی دیگران	بخشنده و باگذشت	Q1 Q6 Q7 Q10
		خوش اخلاق	Q3 Q8 Q15 Q12 Q11
		صبور	Q1 Q2 Q10 Q11 Q13
		امین، رازدار و مورد اعتماد دیگران	Q1 Q10 11 Q14 Q15
		مثل پدر	Q1 Q4 Q7 Q9 Q13 Q15
		ساده زیست	Q17
	چهره و پیش‌تاز	مورد احترام	Q2 Q Q11 Q14 Q15 Q7
		سرشناس	Q1 Q2 Q6 Q11
		میهمان ویژه برخی برنامه‌ها	Q1 Q11 Q13

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم	مصاحبه
	سه‌می‌های	بی سواد	Q4 Q9 Q11 Q15
		غاصب جای دیگران	Q1 Q5 Q6 Q10 Q12 Q7
		ویژه‌خوار ^۱	Q1 Q2 Q8 Q9 Q10 Q11 Q13 Q14 Q23
	جزئی از جامعه	یک انسان مثل سایر انسان‌ها با شرایط خاص	Q17 Q6 Q11

ب) **مبادی هویت‌یابی فرزندان شهدا:** مبادی جامعه‌پذیری و یا اجتماعی‌شدن کودک خانواده، مدرسه، گروه‌های همسال، رسانه‌های جمعی هستند (گیدنز و ساتن، ۱۳۹۹). فرزندان شهدا در مورد پذیرش نقش و هویت فرزند شهیدبودن نشان می‌دهد که علاوه بر نهادهای معمول نهادهای رسمی دیگری به اعم از بنیاد شهید و مدرسه در آموزش و نهادینه کردن این هویت و مفهوم در ذهن ایشان مؤثر بوده است. لذا می‌توان مبادی هویت‌یابی فرزندان شهدا را به مبادی رسمی و غیررسمی تقسیم کرد که در نظریه هسلاام و کرویس (۲۰۲۴) بر تأثیر محیط فیزیکی و اجتماعی در هویت‌سازی تأکید شده است (Haslam et al., 2024).

«ما در.... (نام یک شهرستان) زندگی می‌کردیم. مادرم، خانواده، دوستان همه و همه به من می‌گفتند تو فرزند شهیدی و.... در ادامه انتظارشان را از یک فرزند شهید بیان می‌کردند. مثلاً می‌گفتند انتظار داریم که توی کوچه ندویی و آرام و با وقار قدم برداری! این نظارت آنقدر با وسواس انجام می‌شد که کلافه‌کننده بود. از آن بدتر بنیاد شهید بود. دوازده یا سیزده ساله بودم که رفته بودیم سیزده به‌در و توی فضای باز من چادرم را در آوردم و با بچه‌ها شروع کردم وسطی بازی کردن. چند روز بعد مادرم با یک عصبانیت عجیبی آمد خانه و گفت دختر مگه بهت نگفتم بشین و چادرت را در نیار. همه‌جا فضول هست. رفته‌اند و به بنیاد شهید خبر داده‌اند امروز به من تذکر داده‌اند. بعدها که آمدیم تهران از شر این جور چیزها خلاص شدیم. شهر کوچک بود و همه همدیگر را می‌شناختند و بنیاد هم کلاً تو همه چیز دخالت زیادی داشت... یکی از چیزهایی که باعث می‌شد در مورد فرزند شهید بودنمون

۱. معادل کلمه انگلیسی rentier انتخاب شده است.

خیلی احساس بدی نداشته باشیم اردو‌هایی بود که بنیاد شهید شهرستانمون می‌برد. خانواده‌ها را با هم می‌بردند، یا بچه‌ها را می‌بردند اردوهای مشهد، شمال، اصفهان... خوش می‌گذشت ولی از بچه‌های دیگه هم یاد می‌گرفتیم که چطور رفتار کنیم و هم مسئولین بنیاد شهید خیلی چیزها به ما یاد می‌دادند. مسابقات فرهنگی که تو این اردوها می‌گذاشتند خودش باعث می‌شد که کتاب‌های فرهنگی بخوانیم. یادم است کتاب‌های مطهری را اولین بار تو این اردوها به من دادند و خوندم» (مصاحبه‌شونده شماره ۳).

«مدرسه شاهد می‌رفتیم و از همان‌جا به ما می‌گفتند که باید چه شکلی باشیم. مثلاً شلوار لی پوشیدن ممنوع بود. دائم مراسم داشتند. زیارت عاشورا، یادواره و... راهنمایی که بودیم یک درسی داشتیم به اسم آموزش نظامی. ما را برای این درس اردو می‌بردند و آموزش می‌دادند. به ما تأکید می‌شد که مثلاً شب عملیات فلان این‌جوری بوده و اون‌جوری بوده. برخی از فرمانده‌های جنگ را می‌آوردند. خلاصه از هر طریقی انتظاراتشان را به ما تحمیل می‌کردند. آنقدر از شلوار گشاد و پیراهن آستین بلندی که می‌پوشیدم متنفر بودم. در مدرسه بچه‌های برخی مقامات مملکتی هم بودند. وضعشان خوب بود. با اینکه معلم‌های مدرسه خیلی احترام ما را حفظ می‌کردند همش معلوم بود که از روی ترحم هست. ولی در مورد بچه‌هایی که پدرهایشان عضو انجمن اولیا مربیان بودند و یا کمک مالی خوبی به مدرسه می‌کردند، بیشتر به‌خاطر پدرهایشان احترام می‌دیدند و تکریم می‌شدند... تو شهرک هم برنامه‌های خاص خودمان را داشتیم. فوتبال بازی می‌کردیم و کلاس‌های خوبی می‌گذاشتند. اردو می‌بردند... سال چهارم که بودیم برای امتحان نهایی و کنکور که آماده می‌شدیم تازه متوجه تفاوت خودمان با دیگران می‌شدیم. خیلی به چشم بد به ما نگاه می‌کردند. مدرسه کلاس کنکور گذاشته بود شب‌ها در مدرسه می‌ماندیم. آن شب دو سه تا از بچه‌ها که فرزند شهید نبودند خیلی حرف‌ها در مورد سهمیه زدند. می‌گفتند که شماها که راه برایتان باز است برای چی آنقدر درس می‌خوانید. مجبور شدم بهشان توضیح دهم که اصلاً سهمیه این‌طوری نیست که بی‌سواد بالا بروی. باید ۸۰ درصد نمره قبولی‌های آن رشته را بیاوری و...» (مصاحبه‌شونده شماره ۲۳).

جدول (۴): مبادی هویت‌یابی فرزندان شهدا

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم	مصاحبه
مبادی هویت‌یابی فرزندان شهدا	مبادی غیررسمی و ابتدایی	انتقال مفاهیم هویتی از سوی مادر	Q3 Q1 Q4 Q5 Q7 Q8 11 Q13 Q14 Q17 Q19
		انتقال مفاهیم هویتی از سوی دوستان و همسالان	Q6 Q1 Q2 Q3 Q7 Q13 Q15
		انتقال مفاهیم هویتی از سوی اقوام و خویشان	Q1 Q7 Q10 Q15 Q19 Q20 Q24
		انتقال مفاهیم هویتی از سوی سرپرست	Q2 Q4 Q7 Q9 Q10 Q11 Q15 Q25 Q18 Q20
	مبادی رسمی	انتقال مفاهیم هویتی از سوی متولیان مدرسه	Q4 Q6 Q10 Q20 Q23
		انتقال مفاهیم هویتی از سوی متولیان بنیاد شهید	Q3 Q2 Q1 Q7 Q6 Q12 Q14 Q18 Q19 Q22

۲-۶. برون‌داد هویتی فرزندان شهدا

برون‌داد هویتی فرزندان شهدا احساسات متناقض و تعارض در ابراز هویت است که در مصاحبه‌ها به کرات ابراز شده است. این موضوع در پاسخ به سؤال پژوهش در خصوص برون‌دادهای هویتی فرزندان شهدا است. اریکسون (۱۹۶۸) در نظریه درخشان خود به مفهوم «هویت در برابر سردرگمی نقش» اشاره می‌کند. برون‌داد راهبردهای سیاست‌گذاران جهت انتقال ارزش‌ها و تفهیم هویت خاص برای فرزندان شهدا را می‌توان در احساسات ایشان در خصوص هویتشان و بروز و ظهور آن در جامعه جستجو کرد. آنچه در قالب احساسات متناقض فرزندان شهدا نقش بسته است را می‌توان در آینه نظریه اریکسون (۱۹۶۸) و نظریه مارشیا (۱۹۶۶) آنجا که عنوان می‌کند فرد یا هویت را می‌پذیرد و یا در حالت تعلیق هویت قرار می‌گیرد و یا تعلق می‌یابد و در نهایت دچار سردرگمی هویت می‌شود، مشاهده کرد. درواقع فرد در یافتن هویت خود ناکام مانده و در حالت بی‌ثباتی قرار می‌گیرد (Marcia, 1966).

الف) احساسات متناقض: در اینجا فرزند شهید دچار تعلق هویت است؛ از طرفی هویتی که برایش خانواده و جامعه مذهبی و ایثارگران تعریف کرده‌اند پذیرفته و از

طرفی دچار سردرگمی هویت می‌شود و در جوامع بزرگ‌تر که دائماً او را مورد حمله قرار می‌دهند در یافتن و بروز هویت خود ناکام مانده و در حالت بی‌ثباتی قرار می‌گیرد، در این هنگام احساسات متناقض ظهور می‌کند. درواقع فرزندان شهدا نسبت به هویت خود دچار احساسات متضاد هستند که در سه دسته احساس حرمان زندگی، احساس افتخار، حساس قدرت و توانمندی دسته‌بندی کرد.

«اوایل مثل یک گوهر توی جمع می‌درخشیدیم و افتخار می‌کردیم که فرزند شهید هستیم. الان دائم باید خودمان را مخفی کنیم و نگذاریم کسی بفهمد که پدرم برای این مملکت کشته شده و این همه سال مشکلات ناشی از آن را تحمل کردیم. احساس بدی دارم و این احساس بد دائم با من است... بنیاد شهید از تو ما رو کشته از بیرون مردم. خیلی از قوانین اجرایی نمی‌شه ولی مردم بند کردند به همان سهمیه و این حرفها. ای کاش بنیاد شهید کمی رسیدگی درست و حسابی می‌کرد دلمان نمی‌سوخت...» (مصاحبه‌شونده شماره ۴).

«گاهی فکر می‌کنم ما خانواده شهدا تو بازی زندگی باختیم. اصل موضوع پدر بود و حمایت‌هاش که از دست دادیم. در کنارش ارث و چیزهایی از این دست زندگی ما را ویران کرد. بعد هم مادر ازدواج کرد و بعد هم یک ازدواج نادرست زندگیم را نابود کرد. آخر مگر یک آدم چقدر تحمل دارد. گاهی خودم را با همسن و سال‌هایم مقایسه می‌کنم برای خودم دلم می‌سوزد. انگار هزار سال زندگی کرده‌ام و از بس بدبختی کشیدم... ولی در کل همه این‌ها باعث شد که قدرت بگیرم و خودم را رشد بدهم. یک مثل قدیمی هست که می‌گه هرچیزی مرا نکشد قطعاً مرا رشد می‌دهد» (مصاحبه‌شونده شماره ۷).

«مشکل ما از آنجایی شروع می‌شود که همه فکر می‌کنند هرچه هست و نیست برای ما خانواده شهداست، البته حق هم دارند چون قوانین را طوری می‌نویسند و تبلیغ می‌کنند که همه فکر می‌کنند کسی که فرزند شهید شد همه چیز برایش آماده است و هیچ مشکلی ندارد. بعد انتظار دارند که ما همه چیز را تحمل کنیم و از خودمان بگذریم چرا؟ چون فکر می‌کنند دولت دارد به ما می‌رسد. واقعاً کسی از مسائل ما خبر ندارند. یک مدت هر کاری می‌کردم همکارم می‌گفت تو دختر شهیدی فلان کار را برایت انجام می‌دهند. آخرش یک روز حکم را پرینت گرفتم گفتم حکمت را بیار ببینم چقدر بیشتر از تو می‌گیرم که انتظار داری من از اضافه کار و حق مسئولیت و غیره

بگذرم. تفاوت حکم من و او که با هم استخدام شده بودیم ۶۰۰ تومان حق ایثارگری بود. از آن به بعد کمی هجمه‌هایش کمتر شده ولی واقعاً یک باور برای او وجود دارد که ما مشکلی نداریم و باید از همه چیز بگذریم» (مصاحبه‌شونده شماره ۹).

جدول (۶): احساسات متناقض هویتی در فرزندان شهدا

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم	مصاحبه
احساسات متناقض	احساس افتخار	احساس افتخار ناشی از مورد احترام بودن	Q4 Q15 Q19 Q21
		احساس افتخار به‌خاطر فرزند قهرمان بودن	Q9 Q13 Q3 Q8 Q16 Q23
		احساس افتخار ناشی از موفقیت در رقابت با دیگران	Q1 Q15 Q4 Q7 Q23 Q25
		احساس افتخار به‌خاطر دستاوردهای کشور	Q9 Q13 Q3 Q8 Q16 Q23
		احساس افتخار به عملکرد درست پدر برای مقاومت	Q9 Q13 Q3 Q8 Q16 Q23
	قدرت مثبت	تلاش برای هدر نرفتن زحمات مادر	Q15 Q7 Q11 Q24 Q17
		تلاش برای اثبات خود و قابلیت‌های خود	Q10 Q5 Q1
		تلاش برای رشد شخصی و فردی	Q7 Q14 Q15 Q1
	حرمان زندگی	عقب‌نشینی از خواسته‌ها و آرزوها	Q9 Q12 Q2
		احساس یأس ناشی از برجسب‌زنی و نادیده‌انگاری زحمات فردی	Q1 Q15 Q2
		احساس هدررفت زحمات شهدا ناشی از تغییرات فرهنگی جامعه	Q7 Q6 Q12 Q20
		احساس سوء قضاوت از سوی جامعه	Q4 Q9 Q18

ب) **ابراز هویت:** از سوی دیگر در خصوص بیان یا اعلان هویت خود به‌عنوان فرزند شهید، سه دسته راهبرد وجود دارد: مخفی کردن، اعلام صریح، اعلان بر اساس موقعیت. درواقع اکثر مصاحبه‌شوندگان اعلام کرده‌اند هرچا که آنها را شناسند از اعلام هویت خود امتناع می‌کنند. این مخفی‌کاری در محل کار، دانشگاه، محل سکونت خود در شهرهای بزرگ و... بیشتر است. در شهرهای کوچک به‌خاطر روابط

چهره به چهره افراد مخفی نمودن هویت امکان پذیر نیست.

«وقتی دانشگاه قبول شدم نگذاشتم کسی بفهمد که فرزند شهیدم. همیشه سعی می‌کردم معدلم بالا باشد. وقتی استخدام شدم هم همین‌طور بود. تلاش می‌کردم که اول خودم را به‌عنوان یک آدم فعال، پُرکار و متخصص به همه بشناسانم که اگر بعداً فهمیدند نگویند که سهمیه‌ای است بی سواد است و نمی‌شود روی او حساب کرد. سه سال بعد از استخدامم یکی از همکاران متوجه شد که من فرزند شهیدم و طولی نکشید که همه را خبر کرد... بعضی جاها اگر بفهمم که طرفم آدم مثبتی هست یا خودش ایشارگر است مخفی نمی‌کنم و می‌گویم که فرزند شهیدم» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۸).

«من را به نام پدرم می‌شناسند. هیچ وقت مخفی نکردم. سر نماز ظهر و غروب مغازه را می‌سپرم به شاگردم می‌روم مسجد. همه محل مرا می‌شناسند. اسم پدرم برکت زندگی است و باعث سربلندی من. هیچ وقت هم سعی نکردم از اسم پدرم استفاده کنم و یا کاری را با سهمیه خانواده شهدا انجام بدهم. جواز، آب، برق همه و همه را کلی دونگی کردم گرفتم و اصلاً هیچ کجا مطرح نکردم. مادرم یک زمین داشت فروخت مغازه خریدیم. خیلی به من می‌گفتند که برو از بنیاد نامه بگیر و کارت زودتر انجام بشه. قبول نمی‌کردم. می‌گفتم کار من همین‌جوری هم پیش میره» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۹).

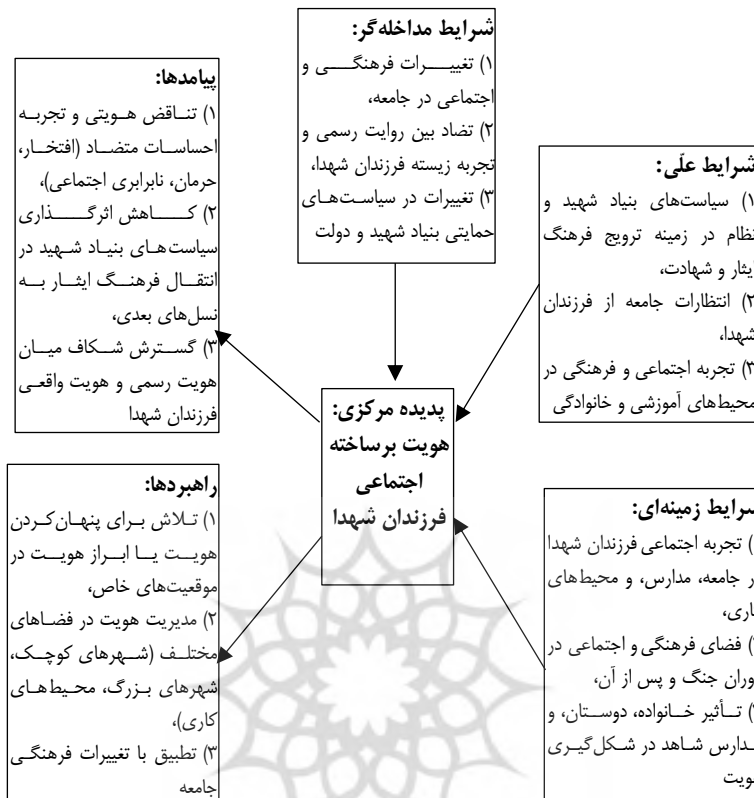
«سال گذشته که هیئت علمی شدم به تحریک برخی اساتید هجده عجبی علیه من در فضای مجازی و دانشکده راه افتاد. به‌طوری‌که دائم بچه‌ها می‌نوشتند که از سهمیه ایشارگران استفاده کرده و کیفیت علمی دانشکده را پایین می‌آورد. بعد هم یک کلاس ۳۲ نفری همه رفتند در حذف و اضافه درس مرا حذف کردند. فقط دو نفر ماندند که کلاس تشکیل نشد. احساس درماندگی می‌کردم. در گروه اساتید با فخر فروشی با من رفتار می‌کردند. در واقع برخی از اعضای هیئت علمی معتقدند که فرزندان شهدا باید در طبقات پایین جامعه باقی بمانند و قدم فراتر گذاشتن و آمدن به طبقات بالاتر مثل عضویت در هیئت علمی یک دانشگاه تراز یک کشور حق آنها نیست... جاهایی که مرا نمی‌شناسند عنوان نمی‌کنم که فرزند شهید هستم. می‌گذارم بر اساس علمم مرا قضاوت کنند... چند وقت قبل جایی سخنرانی داشتم، یکی از سخنرانان که از اساتید برجسته هم بود آخر جلسه کلی از مطالب و ارائه من تعریف خوب کرد. بعد هم گفت من شما را با چادر دیدم فکر کردم الان

می‌خواهید برایمان روضه بخوانید.... خلاصه همیشه این قضاوت در مورد ما وجود دارد» (مصاحبه‌شونده شماره ۴).

جدول (۷): ابراز هویت فرزندان شهدا در جامعه

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم	مصاحبه
ابراز هویتی	مخفی کردن	مخفی کردن در دانشگاه	Q20 Q22 Q24 Q11 Q5
		مخفی کردن در محل کار	Q20 Q22 Q24 Q11 Q5
		مخفی کردن در مجامع علمی	Q20 Q22 Q24 Q11 Q5
		مخفی کردن از همسایه‌های مجتمع	Q20 Q22 Q24 Q11 Q5
		مخفی کردن در محیط عمومی	Q20 Q22 Q24 Q11 Q5
	اعلام صریح	آشکار بودن هویت به دلیل کوچکی محل	Q19 Q21
		ساکن قدیمی محل بودن و آشکار بودن هویت	Q19 Q21 Q25
		از ابتدا در محل سکونت آشکار کردن هویت	Q8 Q19 Q16
		آشکار کردن هویت در دانشگاه از همان ابتدا	Q4 Q23
		آشکار کردن هویت در محل کار از همان ابتدا	Q21 Q16 Q23
	اعلان موقعیتی (حساب‌گرانه)	ابراز هویت به سایر ایثارگران	Q1 Q2 Q3 Q4 Q7 Q9 Q10 Q12 Q14 Q15 Q17 Q25
		ابراز هویت زمانی که با افراد مذهبی در ارتباطند	Q12 Q14 Q15 Q17 Q25
		ابراز هویت زمانی که لازم باشد معرفی شوند	Q3 Q4 Q7 Q9 Q10 Q12 Q14 Q15 Q17
		ابراز هویت پس از اثبات توانمندی‌ها	Q4 Q18 Q10
		ابراز هویت برای افتخار به مقاومت و دفاع شجاعانه پدر	Q1 Q2 Q3 Q4 Q7 Q9 Q10 Q12 Q14 Q15 Q17 Q25

مدل مفهومی:



نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف دستیابی به تعریف هویت برساخته شده از سوی جامعه برای فرزندان شهدا، صورت‌بندی اجزای تشکیل‌دهنده آن، مبادی هویت‌یابی و انطباق بروندادهای هویتی فرزندان شهدا با سیاست‌های کلی نظام در خصوص حفظ فرهنگ ایثار و شهادت به نگارش در آمد.

هویت برساخته شده از سوی جامعه برای فرزندان شهدا، فرزند شهید را واجد خصوصیتی می‌داند که از نظر اخلاقی باید الگوی دیگران باشد، یک فرد مذهبی باشد، باید چهره و پیشتاز باشد، جزئی از جامعه باشد و درعین حال انگ سهمیه‌ای را به جان بخرد و به‌خاطر همین موضوع تحمل بی‌حرمتی‌ها و هجمه‌ها را هم داشته باشد. این موضوع از نظر جنسیتی تفاوت خاصی نداشته و برای دختران و پسران صادق است. این مفاهیم همچون برجستگی بر ذهن آنها نقش بسته و جزئی از هویت

پذیرفته شده ایشان شده است. این تعریف علاوه بر اینکه با نظریه انگ‌زنی مطابقت دارد با تعریف کروگر مبنی بر شکل‌گیری هویت در تعامل با دیگران نیز همخوان است (Bersonsky, 2003). لازم به ذکر است مفاهیم عنوان شده از سوی فرزندان شهدا در خصوص انتظار جامعه برای استفاده از محصولات فرهنگی خاص نظیر چادر برای دختران، داشتن محاسن برای پسران، و تفاسیر روانی و اجتماعی دیگر با تعریف الطایی از هویت مطابقت دارد (الطایی، ۱۳۸۲). از دیگر سو همان‌طور که بروزنسکی در تعریف هویت آن را یک نظریه درونی درباره خود بیان می‌کند در خصوص فرزندان شهدا نیز این موضوع مصداق داشته و به‌طور فعال در ساخت و درونی‌کردن آن مشارکت داشته‌اند (Bersonsky, 2003).

عناصر تشکیل‌دهنده هویت فرزند شهید که از بستر جامعه یا به شکل سازمانی به ایشان عرضه شده و تلاش شده در آن چهارچوب حرکت شود را می‌توان بدین شکل صورت‌بندی کرد در مبحث هویت‌یابی مبادی هویت‌یابی غیررسمی و ابتدایی و مبادی رسمی بود. در مبادی رسمی از طریق اردوها سعی در انتقال تجربه و کارهای فرهنگی و ایجاد فضای شبه خانواده شده است. که این موضوع با نتایج تحقیق جواد تاجر در خصوص مسائل روانی اجتماعی کودکان بی‌سرپرست در ایران همخوانی دارد (تاجر، ۱۳۹۹). هویت‌یابی طی فرایند تعامل با محیط و جامعه اطراف اتفاق می‌افتد. فرزندان شهدا این مفاهیم را طی روند جامعه‌پذیری خود از مبادی غیررسمی مانند انتقال مستقیم مفاهیم از سوی مادر و سرپرست و انتقال مفاهیم از سوی دوستان و همسالان دریاف کرده‌اند. این مفاهیم در قالب انتظار اطرافیان به جهت الگو قراردادن پدر در زندگی در خصوص مقاومت و سازندگی برای کشور، بوده است، که بیشتر در قالب نصیحت، تشویق، تنبیه، خاطره‌گویی و بیان مستقیم انتظارات، مفاهیم انتقال یافته است. قسم دیگر انتقال مفاهیم از مبادی رسمی اتفاق افتاده است. انتقال مفاهیم هویتی نظیر مفاهیم ایثار، عزت نفس ملی، افتخار به‌دست‌آوردهای داخلی، غرور ملی، از سوی متولیان مدرسه علی‌الخصوص در مدارس شاهد بسیار پُررنگ بوده است. با توجه به اینکه فرزندان شهدا در سال‌های دهه شصت و هفتاد مدرسه می‌رفتند فضای مدرسه نیز متأثر از فضای جبه و جنگ بوده و مفاهیمی منطبق با آن شرایط نظیر دفاع مقدس، مقاومت تا آخرین لحظه، شجاعت و دلیری، ایثار و از خود گذشتگی و هویت ملی به بچه‌ها انتقال می‌یافت. بنیاد شهید نیز به‌نوبه خود بر اساس وظیفه‌ای که طی فرمان تشکیل بنیاد شهید و سیاست‌های کلی نظام در حوزه ایثارگران، بر عهده‌اش گذاشته شده بود، اقدام به فعالیت‌های

فرهنگی کرده است تا بتواند مفاهیم لازم را در فرایند تربیت این افراد انتقال دهد. برگزاری شب شعرها، اردوها، مسابقات فرهنگی، جلسات ماهانه، سرکشی به مدارس و گفتگوهایی که مددکاری بنیاد شهید ترتیب می‌داد همگی از مبادی هویت‌یابی فرزندان شهدا بوده است. همچنین تأثیر محیط فیزیکی مدرسه شاهد و شهرک‌های شاهدی که برخی از این عزیزان در آن زندگی می‌کردند بر اساس نظریه هسلاام و کرویس (۲۰۲۴) در خصوص رابطه دیالکتیک محیط فیزیکی و هویت‌یابی قابل تبیین است. هسلاام و کرویس در این خصوص معتقدند که محیط فیزیکی از عوامل شکل‌دهنده هویت اجتماعی افراد است و این موضوع به طریق اولی باعث انسجام گروهی و سلامت روان افراد می‌شود. زیرا افراد در این محیط‌ها به هم اعتماد کرده و طی فرایندهایی منجر به نفی منافع شخصی شده و همبستگی اعضا ارتقاء می‌یابد (Haslam et al., 2024) که فرزندان شهدا در مدارس شاهد در این راستا گام برداشته و با توجه به اینکه جامعه از یک متاع فرهنگی مشترک استفاده می‌کردند درمقابل مدارس دیگر و افراد دیگر جامعه نقی منافع شخصی کرده و به رقابت می‌پرداختند از محیط تأثیر یافته و از طرفی بر محیط خود تأثیر گذاشته و تعریف خاصی برای مدارس شاهد رقم زده‌اند.

در سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه و فرمان تأسیس بنیاد شهید، مفاهیمی چون مقاومت، عزت‌نفس و هویت ملی به صورت کلی مطرح شده‌اند و مسئولیت بنیاد در تربیت فرزندان شهدا، بر پایه همین انتظارات و تعاریف اجتماعی از هویت ایثارگری استوار بوده است. هدف، پرورش نسلی با ویژگی‌های شهدا نظیر وطن‌دوستی، مقاومت و تعهد به هویت ملی ایرانی بوده است. سیاست‌های کلی نظام و بازوی اجرای آن بنیاد شهید تلاش می‌کردند که از هر جهت فرزندان شهدا در جایگاه و طبقات بالاتر قرار گیرند. با انجام فعالیت‌های مهارتی، تحصیلی و فرهنگی تلاش داشتند تا سرمایه فرهنگی فرزندان شهدا افزایش یابد. یکی از برنامه‌های مدیران در کشور بازدید از خانواده شهدا است که در دهه‌های. این موضوع تا قبل از تغییرات فرهنگی در سطح کشور، در شهرستان‌ها باعث افزایش سرمایه اجتماعی فرزندان شهدا می‌شد و آنها بدون واسطه با مدیران ارتباط داشته و پیوندهای اجتماعی قوی‌تری برقرار می‌کردند. علاوه بر آن شرکت در اردوها یک شبکه اجتماعی قوی بین بچه‌های شهدا ایجاد می‌کرد. این موضوع در راستای افزایش سرمایه اجتماعی فرزندان شهدا بود. در دهه‌های شصت، هفتاد و هشتاد تجلیل از خانواده‌های شهدا در مراسم‌های مختلف و تقدیر از دانش‌آموزان کوشا و ساعی به

واسطه اهدای تندیس‌ها و تقدیرنامه‌های مختلف از فعالیت‌های مرسوم بوده است که در راستای افزایش سرمایه نمادین فرزندان شهدا انجام می‌شد. در ضمن از طریق قوانین مختلف نظیر اختصاص سهمیه‌های استخدامی و یا اختصاص وام و غیره تلاش بر ایجاد سرمایه اقتصادی برای فرزندان شهدا داشتند که بتوانند آسیب‌های مالی ناشی از قوانین ارث^۱ و نبود پدر را جبران کنند. گویی بنیاد شهید در تلاش بود بر اساس **نظریه تمایز بوردیو هبیتاس** جدیدی برای فرزندان شهدا ایجاد کند؛ اما تغییرات فرهنگی و پوست‌اندازی جامعه شرایط را جوری دیگری رقم زد که برون‌دادها به جای آنکه مرمت‌کننده و مثبت باشند بیشتر آسیب‌زا شده‌اند.

فرزندان شهدا تناقضی از هویت خود تجربه می‌کنند که منجر به تفاوت در نحوه ابراز هویتشان در بستر جامعه می‌شود. احساسات تناقض ایشان شامل احساس افتخار، احساس افتخار به‌خاطر دست آوردهای کشور، احساس افتخار به عملکرد درست پدر برای مقاومت در مقابل دشمنان و علاقه به ادامه راه ایشان، احساس حرمان زندگی و تبدیل مصائب به قدرت مثبت در زندگی بوده است. آنها از اینکه فرزند یک قهرمان هستند و در جمع‌های رسمی مورد احترام هستند احساس افتخار می‌کنند ولی در فضای غیررسمی مثل محیط کار و دوستی دائم مجبورند از خواسته‌های خود عقب‌نشینی کنند، برچسب‌ها را تحمل کنند، تغییرات فرهنگی را ببینند و با آموزه‌های خود مقایسه کرده و هویت فرهنگی برساخته شده خود را در تعارض با فرهنگ فعلی جامعه ببینند در نتیجه احساس حرمان در آنها متجلی می‌شود. مدیریت این تناقض در بروز و ظهور هویتشان برای آنها مشکلاتی ایجاد می‌کند. مدیریت این موضوع در شهرهای بزرگ راحت‌تر از شهرهای کوچک است. در شهرهای کوچک مخفی کردن موضوع امکان‌پذیر نیست بلکه در مقابل هجمه‌ها بیشتر حالت دفاعی دارند و سعی می‌کنند از هویت خود، عملکرد خود و پدرشان دفاع کنند یا در مواردی از حضور در جمع امتناع کنند؛ اما خاصیت شهرهای بزرگ گمنامی است و مخفی نگاه داشتن هویت در آن کار ساده‌تری است. آنچه باعث می‌شود فرزندان شهدا در بروز هویت خود راحت‌تر باشد جوّ جمعی است که در آن قرار دارند؛ به‌طورمثال اگر در جمع ایثارگران باشند، یا با افراد مذهبی در ارتباط

۱. اگر فرزند قبل از والدین فوت کند نه‌تنها از او ارثی نمی‌برد بلکه والدین از فرزند خود ارث می‌برند. این موضوع باعث شد که فرزندان شهدا نه‌تنها از ارث پدر بزرگ که انباشت سرمایه نسلی بود محروم شوند بلکه به‌واسطه ارثی که والدین شهید از فرزند خود می‌بردند، اندک اندوخته فرزند شهید از پدرش نیز تا حد زیادی کاهش می‌یافت.

باشند، یا زمانی که در جمعی باشند که قابلیت پذیرش موضوع را داشته باشند و یا زمانی که توانمندی‌های خود را اثبات کرده باشند (مثلاً در محل کار و یا دانشگاه) از ابراز هویت خود ابائی ندارند.

یافته‌های پژوهش مؤید آن است که اکثر فرزندان شهدا در جامعه عنوان نمی‌کنند که فرزند شهید هستند. درواقع فرزندان شهدایی که صریح اعلام می‌کنند فرزند شهید هستند کم هستند و معمولاً در مشاغلی مشغول به کارند که وابستگی دولتی ندارد. سایر فرزندان شهدا یا هویت خود را کاملاً مخفی می‌کنند و یا به‌صورت حساب‌گرانه بر اساس موقعیت و مخاطب ممکن است هویت خود را ابراز کنند. آنها این هویت بر ساخته‌شده (هویت خاص فرزند شهید بودن) را به‌خاطر فضای اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه پنهان می‌کنند. آنچه در روایت‌ها ارائه شده مهم است. آنچه مسلم است مقاومتی که در برابر روایت رسمی وجود دارد، در روایت رسمی فرزندان شهدا در مرکز توجه قرار دارند و امتیازهای مختلف به آنان ارائه می‌شد. مردم نیز همین روایت را پذیرفته‌اند و در برابر همین روایت مقاومت می‌کنند و آن را مصداق بی‌عدالتی می‌بینند. از دید آنان فرزندان شهدا، نماد ارزش‌های رسمی هستند و اگر کسی به چنین ارزش‌هایی نزدیک باشد از امتیاز برخوردار خواهد شد. درعین‌حال، این روایت با وضعیت عینی فرزندان شهدا تطابق ندارد. تعارض بین وضعیت عینی و تفسیر مردم باعث بروز احساسات منفی مثل تنهایی و انگ امتیازجویی شده است و شرایط زندگی را برای فرزندان شهدا سخت کرده است. درواقع نوعی شکاف بین جایگاه انضمامی و منزلت اجتماعی فرزندان شهدا مشاهده شده است که این نتایج خلاف اهداف سیاست‌های نظام است. با این حال هرگاه بحث دست‌آوردهای کشور باشد عزت‌مندانه به آن می‌پردازند عملکرد دلیرانه پدر را می‌ستایند.

با بررسی وجوه تمایز بین دو مفهوم آبرو و منزلت، رهیافتی روشن‌تر از مفهوم منزلت پدیدار می‌شود. برگر معتقد است که آبرو و منزلت در ارتباط با دیگران احراز یا تهدید می‌شوند (برگر؛ برگر و کلنر، ۱۳۸۱). مفهوم آبرو یعنی وابستگی هویت فرد به نقش‌های نهادی و ایجاد آگاهی کاذب به سبب روگردانی از خویش‌تن؛ اما مفهوم مدرن منزلت، یعنی استقلال هویت از نقش‌های نهادی که فرد فقط از طریق رهایی از نقش‌های اجتماعی تحمیل‌شده؛ هویت واقعی‌اش را بازیابی می‌کند. بحث زوال مفهوم آبرو به این معنا است که افرادی که هویت‌های خویش را به نقش‌های نهادی ربط می‌دادند؛ در اثر نیروهای مدرنیته در مخالفت با نقش‌های نهادی به بازتعریف هویت ذاتی و خودآگاهی خود می‌پردازند (برگر؛ برگر و کلنر، ۱۳۸۱).

با عنایت به اینکه کشور ما سال‌هاست که در حال گذار است و به سمت مدرنیته پیش می‌رود می‌توان مبحث منزلت و آبروی فرزندان شهدا را در خصوص هویتشان بر اساس دیدگاه برگر چنین تحلیل کرد که قبلاً جامعه بافت سنتی‌تری داشته است، کارکرد و مفهوم آبرو هویت فرزندان شهدا را بازتولید می‌کرد؛ اما در جهان مدرن که با مفهوم منزلت اجتماعی مواجهیم؛ شاهد تغییر نگرش در ایشان هستیم. این موضوع با نتایج تحقیقات هس (۲۰۲۴) را در خصوص مبانی فلسفی و روانی هویت اجتماعی و تداوم آن مورد تأیید قرار می‌دهد (Hess, 2024). در واقع تغییرات اجتماعی مفاهیم ارزشمند هویتی را تغییر داده و منجر به بروز و ظهور نقش‌های جدیدی شده است که لازمه آن مخفی کردن هویت قبلی و بر ساخت هویت عزتمندانه جدید است. در مجموع باید گفت که بنیاد شهید و سیاست‌های کلی در خصوص فرزندان شهدا موفق عمل نکرده است. فرزندان شهدا خود را در مقایسه با سایر خانواده‌های اقوام و دوستان بالاتر نمی‌بینند. ظرفیت دانشگاه‌ها برای همه اقشار افزایش یافته و تقریباً اکثر بچه‌ها به دانشگاه راه می‌یابند؛ لذا سهمیه ورود به دانشگاه خیلی به بالاتر رفتن پایگاه اجتماعی ایشان کمک چندانی نکرده است. از نظر مالی فرزندان شهدا از ثروت انباشته خانواده پدری محروم بوده و میراث پدر نیز در کودکی تقسیم شده است. در واقع کمک‌ها بنیاد شهید در بزرگسالی فقط قسمتی از آسیب‌هایی که به واسطه از دست دادن زود هنگام پدر به خانواده وارد شده است را تا حد اندکی ترمیم کرده است. از نظر فرهنگی و هویتی نیز سیاست‌ها بسیار ضعیف عمل کرده است. به‌طوری‌که تعارض شدیدی بین آنچه هویت بر ساخته و رسمی است با آنچه در واقعیت وجود دارد دیده می‌شود. سیاست‌های کلی نظام و بازوی اجرای آن بنیاد شهید سعی داشتند از طریق فرزندان شهدا مفهوم ایثار را بین نسلی کنند و به نسل جوان انتقال دهند، ولی این موضوع نیز بر اساس آنچه پیشتر گفته شد با شکست مواجه شده است. فرزندان شهدای جنگ سازوکار خود را در مخفی کردن هویت خود و پذیرش مسائل جامعه یافته‌اند و گاه با آرمان‌های پدران خود در تضاد قرار گرفته‌اند، ولی لازم است برای فرزندان شهیدایی که به‌تازگی به پدران خود را از دست داده‌اند و یا در آینده از دست می‌دهند سیاست‌گذاری شود و راهکارهایی در نظر گرفته شود.

پیشنهادهای

در پایان پیشنهادات کاربردی برای سیاست‌گذاری و اجرای برنامه به شرح ذیل تقدیم می‌گردد:

- ۱- **انتشار توضیحات لازم در خصوص سهمیه‌ها:** قسمتی از حجمه‌ها به دلیل عدم آگاهی مردم از وضعیت اختصاص سهمیه‌ها است. این موضوع باعث می‌شود که مردم ناآگاهانه بر این باور باشند که فرزندان شهدا بدون هیچ علمی وارد دانشگاه شده و جایگاه فرزندان آنها را غصب می‌کنند. آگاهی دادن به جامعه تا حدی می‌تواند این مشکل را حل کند.
- ۲- **اصلاح و بهینه‌سازی خدمات رفاهی و حمایتی:** این کار به واسطه شفاف‌سازی سهمیه و امتیازات و ایجاد سامانه شفاف اطلاعات می‌تواند کارساز باشد. سهمیه‌های آموزشی و شغلی فرزندان شهدا به صورت دقیق‌تر مدیریت شود تا سوءتفاهم‌ها و انگ‌های اجتماعی کاهش یابد. همچنین ایجاد یک بانک اطلاعاتی شفاف برای اطلاع‌رسانی درباره مزایا و شرایط اختصاصی که مانع از سوءبرداشتهای اجتماعی شود.
- ۳- **تدوین برنامه‌های حمایتی برای کاهش شکاف هویتی:** جامعه هدف این پیشنهاد فرزندان شهدای دفاع مقدس نیستند و از سن ایشان گذشته. با این حال با ایجاد برنامه‌های فرهنگی و بازنگری در ساختار مدارس شاهد می‌توان باعث کاهش شکاف هویتی برای نسل جدید فرزندان شهدا شد. برگزاری دوره‌های آموزشی و فرهنگی ویژه فرزندان شهدا برای افزایش آگاهی آنان نسبت به هویت شخصی و جمعی خود و کاهش فشارهای ناشی از روایت‌های رسمی می‌تواند کارساز باشد. همچنین برنامه‌های آموزشی مدارس شاهد باید بازتعریف شوند تا از تحمیل انتظارات اجتماعی یک‌جانبه و ایجاد فشار روانی بر دانش‌آموزان جلوگیری شود.
- ۴- **ترویج ارزش‌های ملی بدون ایجاد فشار:** این موضوع با استفاده از برنامه‌های تبلیغاتی متوازن و بازنمایی موارد غیرواقعی و انگ‌های اجتماعی حوزه فرزندان شهدا امکان‌پذیر است. همچنین گفتگو با جامعه در قالب اجرای پویش‌های آگاهی‌بخشی در سطح جامعه برای معرفی دقیق‌تر جایگاه فرزندان شهدا و جلوگیری از برداشتهای نادرست پیشنهاد می‌شود.
- ۵- **تقویت مشارکتهای اجتماعی و مدنی:** ایجاد شبکه‌های اجتماعی و گروه‌های همیار برای فرزندان شهدا که بتوانند تجربیات خود را به اشتراک

بگذارند و از حمایت‌های همتایان خود بهره‌مند شوند. ایجاد پروژه‌های اجتماعی مشارکتی و دعوت از فرزندان شهدا برای شرکت در پروژه‌های عمومی (مانند برنامه‌های شهری یا اجتماعی) که احساس تعلق آنها را به جامعه تقویت کند.

فهرست منابع

- آهنگرسله‌بنی، اعظم (۱۳۹۹). طرح ملی «نیازسنجی ایثارگران» بنیاد شهید و امور ایثارگران. تهران: بنیاد شهید و امور ایثارگران، مجری مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- آیین‌نامه تعیین مصادیق عملی شهید و خانواده‌های شاهد (۱۳۸۲). بازیابی از مرکز پژوهش‌های مجلس: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/123575>
- ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه هفتم با اولویت پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت. (۱۴۰۱). دفتر حفظ نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، بازیابی از: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=50920>
- احمدی، فریبا (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت. همایش آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت (صص. ۱۳-۴۲). بابلسر: دانشگاه مازندران.
- اسمیت، فیلیپ و رایلی، الگرنذر (۱۳۹۴). نظریه فرهنگی. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- اشتراس، انسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۵). مبانی تحقیق کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۴۰۰). به طعم فرهنگ: جامعه‌شناسی سیاسی پی‌یر بوردیو. تهران: نقش و نگار.
- برگر، پیتر؛ برگر، بریجیت و کلنر، هاتسفرید (۱۳۸۱). ذهن بی‌خانمان (نوسازی و آگاهی). ترجمه محمد ساوجی، تهران: نشر نی.
- بوردیو، پییر (۱۳۸۰). نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی. ترجمه مردیها، تهران: نقش نگار.
- بوردیو، پییر (۱۳۹۰). تمایز، نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی. ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ثالث.
- بوردیو، پییر (۱۴۰۰). سلطه مذکر. ترجمه ناصری‌راد، تهران: آق.

بهرامی، ر. (۱۳۹۵). معنای شهادت در میان خاطرات فرزندان شهید/ (سن ۲۸ تا ۴۰ سال در تهران). تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

بیرانوند، مهناز (۱۳۹۶، مهر ۱۱). جدیدترین آمار خانواده‌های شهید/ وایشاگران. تهیه‌کننده مریم برزآبادی، بازیابی از خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا: <https://www.irna.ir>

پرورش، فهیمه (۱۳۹۲). تجربه زیسته فرزندان شهید. گروه علوم اجتماعی. تهران: دانشگاه الزهرا.

تجر، جواد (۱۳۹۹). بررسی سنجش استانداردها و مسائل روانی اجتماعی کودکان بی‌سرپرست در ایران. مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۶۳(۱)، ۲۳۰۱-۲۳۱۱.

خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۵۸/۱۲/۲۵). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).

سیاست‌های کلی نظام برای ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد و سامان‌دهی امور (۱۳۸۹، ۱۱ ۲۹). بازیابی از دفتر حفظ نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی

خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=11265>

سیدمن، استیون (۱۴۰۲). کتاب کشاکش آرا در جامعه‌شناسی. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی. بازیابی از <https://www.iranketab.ir/book/17456-contested-knowledge>

شارع‌پور، م. (۱۳۸۶، مهر ۱). توهم اجتماعی در تجلیل از ایثارگران جنگ: تجربه جهانی. ص. ۲۳۴.

الطایی، ع. (۱۳۸۲). بحران هویت قومی در ایران. تهران: شادگان.

غفاری‌نسب، اسفندیار؛ مساوات، سیدابراهیم؛ قاسمی‌نژاد، محمدعلی و علایی، احمد (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر هویت ملی

(مطالعه موردی: شهروندان ۱۵ سال به بالای شهر اقلید). فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، ۴(۴)، ۳۵-۹.

فلیک، اووه (۱۳۹۷). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

کوئن، بروس (۱۴۰۲). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه رضا فاضلی، تهران: سمت.

گیدنز، آنتونی و ساتن، فیلیپ (۱۳۹۹). جامعه‌شناسی. ترجمه هوشنگ نایی، تهران:

نشر نی. بازیابی از: <https://www.iranketab.ir/book/3961-sociology>

مجدی، علی‌اکبر؛ رضانی، حسین و عظیمی‌هاشمی، مژگان (۱۳۹۵). بررسی رابطه

حمایت اجتماعی با هویتیابی (مورد مطالعه: فرزندان شاهد شهر نیشابور). علوم اجتماعی/دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳(۱)، ۲۱۷-۲۳۸.

مقدم، سبا (۱۳۹۶). زندگی ما، زندگی فرزندان شهید/ بعد از پدرانشان. تهران: افکار جاوید.

- Bersonsky, M. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter? *Identity. An International Journal of Theory and Research*, 131-142. file:///C:/Users/Dr.ahangar/Downloads/BerzIDENT03-COMMIT-2.pdf
- Bourdieu, P. (1986). Forms of Capital. in J. Richardson, & J. Richardson, *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education* (258-241). New York: Greenwood Press.
- Denscombe, M. (2010). *The Good Research Guide For small-scale social research projects*. London: Open University Press.
- Dordevic, A. (2024). Social Identification as Representation, Construction, or Subjective Experience Ontological Frictions in Psychology and Lessons from Social Ontology. in A. Arango, & A. Burgos, *New Perspectives on the Ontology of Social Identities* (p214). New York: Routledge. doi:https://doi.org/10.4324/9781032690377
- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and Crisis*. Norton & company.
- Haslam, A. S.; Fong, P.; Haslam, C. & Cruwys, T.(2024). Connecting to Community: A Social Identity Approach to Neighborhood Mental Health. *Personality and Social Psychology Review*, 251-267. doi:https://doi.org/10.1177/10888683231216136
- Hess, F. (2024). The we-sum of its parts or something else? On the philosophical and psychological foundations of social identity and its continuity. *Zeitschrift für Religion, Gesellschaft und Politik*, 1-33. doi:https://doi.org/10.1007/s41682-024-00173-8
- Lincoln, Y. & Guba, E. (1985). *Naturalistic Inquiry*. Beverly Hills: Sage Publications.
- Marcia, J. E. (1966). Development and Validation of identity status. *Journal of Personality and Social Psychology*, 3(5), 551-558.
- Throsby, D. (2020). Cultural capital, in *Handbook of Cultural Economics* (p176). doi:10.4337/9781781008003.00025

References

- Ahangar Saleh-Bani, A. (2020). *National Plan: Needs Assessment of Veterans*. Foundation of Martyrs and Veterans Affairs, Institute for Social Studies and Research, University of Tehran. (In Persian).
- Ahmadi, F. (2007). Pathology of Promoting the Culture of Sacrifice and Martyrdom. Conference on Pathology of Promoting the Culture of Sacrifice and Martyrdom, University of Mazandaran, Babolsar, pp. 13–42. (In Persian).
- Altaei, A. (2003). *Ethnic Identity Crisis in Iran* (2nd Ed.). Tehran: Shadgan. (In Persian).
- Ayubi, H. (2021). *The Taste of Culture: Political Sociology of Pierre Bourdieu*. Tehran: Naghshe-o Negar. (In Persian).
- Bahrami, R. (2016). *The Meaning of Martyrdom Among the Memories of Martyrs' Children (Aged 88–40 in Tehran)*. M.A. Thesis, Faculty of Social Sciences, University of Tehran. (In Persian).
- Beiranvand, M. (2017). *Latest Statistics on Martyrs and Veterans' Families*. (M. Barzabadi, Producer). (In Persian). Retrieved from: <https://www.irna.ir>
- Berger, P.; Berger, B. & Kellner, H. (2002). *The Homeless Mind: Modernization and Consciousness* (M. Savaji, Trans.). Tehran: Nashr-e Ney. (In Persian).
- Bersonsky, M. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter? Identity: An International Journal of Theory and Research, 3(2), 131–142. Retrieved from: <file:///C:/Users/Dr.ahangar/Downloads/BerzIDENT03-COMMIT-2.pdf>
- Bourdieu, P. (1986). Forms of capital. In J. Richardson (Ed.), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education* (pp. 241–258). New York: Greenwood Press.
- Bourdieu, P. (2001). *Theory of Practice: Practical Reason and Rational Choice* (M. Mardihah, Trans.). Tehran: Naghshe-o Negar. (In Persian).
- Bourdieu, P. (2011). *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste* (M. Chavoshian, Trans.). Tehran: Sales. (In Persian).
- Bourdieu, P. (2021). *Masculine Domination* (M. Naseri Rad, Trans.). Tehran: Agh. (In Persian).
- Cohen, B. (2023). *Foundations of Sociology, Vol. 13* (G.T. Fazeli, Trans.). Tehran: SAMT. (In Persian).
- Denscombe, M. (2010). *The good research guide: For small-scale social research projects*. London: Open University Press.
- Dordevic, A. (2024). Social identification as representation, construction, or subjective experience: Ontological frictions in psychology and lessons from social ontology. In A. Arango & A. Burgos (Eds.), *New Perspectives on the Ontology of Social Identities* (p. 214). New York: Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781032690377>
- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. New York: W. W. Norton & Company.
- Flick, U. (2018). *An Introduction to Qualitative Research* (H. Jalili,

- Trans.). Tehran: Nashr-e Ney. (In Persian).
- Ghaffari Nasab, E.; Mosavat, S.; Ghaseminejad, M. & Alaei, E. (2016). *A Sociological Study of the Social-Cultural Factors Affecting National Identity (Case Study: Citizens Aged 15 and Above in Eqid City)*. Journal of Socio-Cultural Development Studies, 4(4), 9–35. (In Persian).
- Giddens, A. & Sutton, F. (2020). *Sociology, Vol. 1* (H. Nayeibi, Trans.). Tehran: Nashr-e Ney. (In Persian). Retrieved from: <https://www.iranketab.ir/book/3961-sociology>
- Haslam, A. S.; Fong, P.; Haslam, C. & Cruwys, T. (2024). Connecting to community: A social identity approach to neighborhood mental health. *Personality and Social Psychology Review*, 28(2), 251–267. <https://doi.org/10.1177/10888683231216136>
- Hess, F. (2024). The we-sum of its parts or something else? On the philosophical and psychological foundations of social identity and its continuity. *Zeitschrift für Religion, Gesellschaft und Politik*, 1–33. <https://doi.org/10.1007/s41682-024-00173-8>
- Islamic Parliament Research Center. (2003). *Executive Regulations for Determining Practical Criteria of Martyr and Martyrs' Families*. (In Persian). Retrieved from: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/123575>
- Khomeini, R. (1980). *Sahifeh-ye Imam [Collected Works of Imam Khomeini]*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Persian). Retrieved from: <http://www.imam-khomeini.ir>
- Lincoln, Y. S. & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Beverly Hills, CA: Sage Publications.
- Majdi, A.; Ramazani, H. & Azimi Hashemi, M. (2016). *The Relationship Between Social Support and Identity Formation (Case Study: Martyrs' Children in Neyshabur)*. *Ferdowsi University Journal of Social Sciences*, 13(1), 217–238. doi: 10.22067/jss.v13i1.53168 (In Persian).
- Marcia, J. E. (1966). Development and validation of identity status. *Journal of Personality and Social Psychology*, 3(5), 551–558.
- Moghadam, S. (2017). *Our Life: Life of Martyrs' Children After Their Fathers*. Tehran: Afkar Javid. (In Persian).
- Office for the Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei. (2022). Notification of General Policies of the Seventh Development Plan with Priority on Economic Progress Along with Justice. (In Persian). Retrieved from: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=50920>
- Office for the Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei. (2011). *General Policies for Promotion of the Culture of Sacrifice and Jihad and Organization of Veterans' Affairs*. (In Persian). Retrieved from: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=11265>
- Parvaresh, F. (2013). *Lived Experience of Martyrs' Children*. Department of Social Sciences, Al-Zahra University, Tehran. (In Persian).
- Pinto, I. R. & Marques, J. M. (2024). The role of group (in)efficacy in



- controlling deviance on group cohesion and on social identity management strategies: Social control identity motivated model. *Group Processes & Intergroup Relations*, 27(1). <https://doi.org/10.1177/13684302241251749>
- Seidman, I. (2023). *Contested Knowledge in Sociology* (H. Jalili, Trans.). Tehran: Nashr-e Ney. (In Persian). Retrieved from: <https://www.iranketab.ir/book/17456-contested-knowledge>
- Sharehpour, M. (2007). *Social Delusion in Honoring War Veterans: A Global Experience*. (In Persian).
- Smith, F. & Riley, I. (2015). *Cultural Theory* (M. Salasi, Trans.). Tehran: Nashr-e Elmi. (In Persian).
- Strauss, A. & Corbin, J. (2016). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory* (A. Afshar, Trans.). Tehran: Nashr-e Ney. (In Persian).
- Tajer, J. (2020). *Assessment of Standards and Socio-Psychological Issues of Orphaned Children in Iran*. *Mashhad University of Medical Sciences Journal*, 63(1), 2301–2311. doi: 10.22038/mjms.2020.19354 (In Persian).
- Throsby, D. (2020). Cultural capital. In *Handbook of Cultural Economics* (p. 176). <https://doi.org/10.4337/9781781008003.00025>





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی